



فرهنگ توصیفی انتقادی

خاقانی پژوهی

(تحلیل انتقادی و توصیفی مقاله های منتشر شده

در ایران درباره خاقانی ۱۳۰۰-۱۳۸۸ ه.ش)



دکتر محمد حسین نیکدار اصل

استادیار دانشگاه یاسوج

دکتر رویین تن فرهمند

استادیار دانشگاه ولیمصر (عج)

به نام خدا

فرهنگ توصیفی - انتقادی خاقانی پژوهی

(تحلیل انتقادی و توصیفی مقاله‌های منتشر شده در ایران درباره
خاقانی ۱۳۰۰-۱۳۸۸.ش)

دکتر محمدحسین نیکداراصل

استادیار دانشگاه یاسوج

دکتر رویین تن فرهمند

استادیار دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان

سرشناسه	نیکدار اصل، محمدحسین، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	فرهنگ توصیفی انتقادی خاقانی پژوهی / محمدحسین نیکدار اصل، روین تن فرمند.
مشخصات نشر	ياسوج: دانشگاه ياسوج، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهري	۶۴۳ ص.: جدول، نمودار(رنگی).
شابک	978-600-94041-8-6
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۴۱۳ - ۴۳۸.
موضوع	خاقانی، بدیل بن علی، ۵۲۰ - ۵۹۵ق. — نقد و تفسیر
موضوع	شعر فارسی — قرن ۶ق. — تاریخ و نقد
شناسه افزوده	فرمند، روین تن، ۱۳۴۶ -
شناسه افزوده	دانشگاه ياسوج
رده بندی کنگره	۴ف۹ن۱۳۹۴/۴۸۷۹ PIR
رده بندی دیویی	۸۵۱/۲۳
شماره کتابشناسی ملی	۳۹۱۰۲۱۵

فرهنگ توصیفی - انتقادی خاقانی پژوهی

مؤلفین:

دکتر محمد حسین نیکدار اصل

دکتر روین تن فرمند

ناشر: دانشگاه ياسوج

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۴

قطع: وزیری

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۰۴۱-۸-۶ ISBN:

چاپ: نوروزی. گرگان / ۰۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: گزارشی از این پژوهش
۲-۵.....	مقدمه.....
۵-۴۷.....	گزارشی از کارنامه تحلیلی انتقادی خاقانی پژوهی (۱۳۸۸-۱۳۰۰ ه.ش).....
	فصل دوم: فهرست تحلیلی توصیفی مقاله‌ها
۴۹-۵۶.....	دهه نخست (۱۳۰۹-۱۳۰۰ ه.ش).....
۴۹.....	سال ۱۳۰۲.....
۴۹-۵۲.....	سال ۱۳۰۳.....
۵۲-۵۶.....	سال ۱۳۰۴.....
۵۷.....	دهه دوم (۱۳۱۹-۱۳۱۰ ه.ش).....
۵۷.....	سال ۱۳۱۰.....
۵۷.....	سال ۱۳۱۴.....
۵۸-۶۲.....	دهه سوم (۱۳۲۹-۱۳۲۰ ه.ش).....
۵۸-۶۰.....	سال ۱۳۲۶.....
۶۰-۶۲.....	سال ۱۳۲۸.....
۶۳-۷۰.....	دهه چهارم (۱۳۳۹-۱۳۳۰ ه.ش).....
۶۳-۶۶.....	سال ۱۳۳۲.....
۶۶-۶۷.....	سال ۱۳۳۳.....
۶۷.....	سال ۱۳۳۵.....
۶۷-۶۹.....	سال ۱۳۳۷.....
۶۹-۷۰.....	سال ۱۳۳۹.....
۷۱-۹۱.....	دهه پنجم (۱۳۴۹-۱۳۴۰ ه.ش).....
۷۱.....	سال ۱۳۴۰.....

۷۱.....	سال ۱۳۴۲.....
۷۲.....	سال ۱۳۴۳.....
۷۳-۷۴.....	سال ۱۳۴۴.....
۷۴-۷۸.....	سال ۱۳۴۶.....
۷۸-۷۹.....	سال ۱۳۴۷.....
۸۰-۸۶.....	سال ۱۳۴۸.....
۸۶-۹۱.....	سال ۱۳۴۹.....
۹۲-۱۲۲.....	دهه ششم (۱۳۵۰-۱۳۵۹) د.ش.....
۹۲-۹۳.....	سال ۱۳۵۰.....
۹۳-۹۶.....	سال ۱۳۵۱.....
۹۶-۱۰۳.....	سال ۱۳۵۲.....
۱۰۳-۱۱۳.....	سال ۱۳۵۳.....
۱۱۳-۱۱۶.....	سال ۱۳۵۴.....
۱۱۷-۱۱۸.....	سال ۱۳۵۵.....
۱۱۸-۱۲۲.....	سال ۱۳۵۷.....
۱۲۳-۱۴۰.....	دهه هفتم (۱۳۶۰-۱۳۶۹) د.ش.....
۱۲۳-۱۲۸.....	سال ۱۳۶۳.....
۱۲۹-۱۳۱.....	سال ۱۳۶۴.....
۱۳۱-۱۳۲.....	سال ۱۳۶۶.....
۱۳۲-۱۳۵.....	سال ۱۳۶۸.....
۱۳۵-۱۴۰.....	سال ۱۳۶۹.....
۱۴۱-۲۲۴.....	دهه هشتم (۱۳۷۰-۱۳۷۹) د.ش.....
۱۴۱-۱۴۳.....	سال ۱۳۷۰.....
۱۴۳.....	سال ۱۳۷۱.....
۱۴۳-۱۵۷.....	سال ۱۳۷۲.....

۱۵۷-۱۷۴.....	سال ۱۳۷۳
۱۷۴-۱۸۱.....	سال ۱۳۷۴
۱۸۲-۱۸۸.....	سال ۱۳۷۵
۱۸۹-۱۹۷.....	سال ۱۳۷۶
۱۹۷-۲۰۶.....	سال ۱۳۷۷
۲۰۶-۲۱۴.....	سال ۱۳۷۸
۲۱۴-۲۲۴.....	سال ۱۳۷۹
۲۲۵-۶۱۱.....	دهه نهم (۱۳۸۸-۱۳۸۰.ش)
۲۲۵-۲۴۱.....	سال ۱۳۸۰
۲۴۱-۲۵۷.....	سال ۱۳۸۱
۲۵۷-۲۷۷.....	سال ۱۳۸۲
۲۷۷-۳۰۸.....	سال ۱۳۸۳
۳۰۸-۴۴۵.....	سال ۱۳۸۴
۴۴۵-۴۸۸.....	سال ۱۳۸۵
۴۸۸-۵۰۷.....	سال ۱۳۸۶
۵۰۸-۵۵۰.....	سال ۱۳۸۷
۵۵۰-۶۱۱.....	سال ۱۳۸۸
۶۱۲-۶۳۸.....	فهرست منابع

فصل نخست
گزارشی از این پژوهش

مقدمه

«حسان العجم افضل الدین (ابراهیم) بن علی خاقانی حقایقی شروانی یکی از بزرگترین شاعران و از فحول بلغای ایران است. لقب حسان العجم را، عم او کافی الدین عمر به وی داد اما لقب دیگر او افضل الدین عنوان مشهورتر او بوده و معاصران وی او را با همین لقب می خوانده اند. پدر او نجیب الدین مردی درودگر بود و خاقانی در اشعار خود بارها به درودگری او اشاره کرده است. مادرش جاریه ای طباح از رومیان بود که اسلام آورد، عمش کافی الدین عمر بن عثمان مردی طیب و فیلسوف بود و خاقانی تا بیست و پنج سالگی در کنف حمایت و تربیت او بود و بارها از حقوق وی یاد کرده و آن مرد فیلسوف را به نیکی ستوده، چندی نیز از تربیت پسر عم خود وحیدالدین عثمان برخوردار بوده است. با آنکه در نزد عم و پسر عم انواع علوم ادبی و حکمی را فرا گرفت، چندی نیز در خدمت ابوالعلاء گنجوی شاعر بزرگ معاصر خود که در دستگاه شروانشاهان به سر می برد، کسب فنون شاعری کرده بود.» (صفا، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۷۷۸-۷۷۶)

در شکل گیری شخصیت معنوی خاقانی، عمویش کافی الدین نقش و اثر زیادی داشته است، هریسچی در این باره می نویسد: «کافی الدین باغبان شخصیت معنوی خاقانی شده است و در مقام استاد ادب نیز در پرورش استعداد وی نقش بزرگی داشته است. اومدرس، ولی نعمت و پدر خاقانی بوده و قلم شاعر از وی قدرت و روشنائی گرفته است.» (کندلی هریسچی، ۱۳۷۴: ص ۱۶۸-۱۶۷)

توانایی خارق العاده خاقانی در شاعری و استعداد کم نظیر وی در هنر شعر، سبب ظهور شاعری صاحب سبک و نوپرداز در ادب فارسی شده است و خود بارها در اشعارش به این نکته اشاره کرده است:

کاهل دانش را زهر لفظ امتحان آورده ام	پادشاه نظم و نثرم در خراسان و عراق
شیوه ی تازه نه رسم باستان آورده ام	منصفان استاد دانندم که از معنی و لفظ

(خاقانی ۱۳۷۴: ۲۵۸)

می‌توان این شیوه تازه را در ترکیب سازی بدیع و شگرف شاعر و به نیروی تصویر آفرینی کم نظیر وی مربوط دانست که از بسیاری جهات انواع استعاره و تشبیه و کنایه را در کلام وی متمایز از دیگر شاعران کرده است. بخش دیگری از این شیوه تازه به دانش گسترده خاقانی ارتباط می‌یابد، انواع علوم آن روزگار چون نجوم، ریاضی طب، موسیقی، علم تفسیر قرآن، کلام، منطق و فلسفه و قصص انبیاء، اسطوره و ... بازتاب قابل توجهی در شعر وی داشته و دستاویز مضمون پردازهای بکر در ادب فارسی شده است. از این دیدگاه نیز خاقانی متفاوت و متمایز از دیگر شاعران شده است. علم فراگیر، طبع شاعری شگرف و توان جادوگرانه آفرینش هنری، خاقانی را از گذشته‌های دور تا به امروز مورد توجه دیگر هنرمندان کرده است.

موضوع پژوهش

خاقانی پژوهی در روزگار معاصر از زمانی که دانشگاه تهران تأسیس شد و کسانی چون مرحوم ملک الشعرا بهار و بدیع الزمان فروزان فر فعالیت دانشگاهی خود را آغاز کردند، شروع شد. بنابر تقریرات فروزان فر درباره خاقانی در کلاس درس که اخیراً محمد استعلامی در دو مجلد به چاپ رسانده است، جرقه تصحیح دیوان خاقانی به پیشنهاد فروزان فر و پذیرش ضیاء الدین سجادی که در آن زمان دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تهران بود، آغاز شد، هر چند پیش از سجادی مرحوم عبدالرسولی در سال ۱۳۱۶ ه.ش تصحیحی از دیوان خاقانی به دست دوستان شعر وی رسانده بود. بنابراین آن شاعر دشوارگو در قالب این تصحیحات در مجامع دانشگاهی این مرزو بوم جا یافته و محل توجه شد. همراه با رشد و گسترش روزنامه‌ها و مجلات ادبی و دانشگاهی، بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها درباره خاقانی و کاوش درباره شعر و شخصیت و آثار و روزگار وی، در مجله‌های ادبی و با فراز و فرودهایی که عوامل گوناگونی در آن مؤثر بوده، نمود می‌یابد. بنابراین خاقانی پژوهی در شکل مقاله نویسی در کنار کتاب‌هایی که پژوهشگران در این حوزه نوشته‌اند، قابل توجه است. در فاصله زمانی ۱۳۰۰ ه.ش تا پایان سال ۱۳۸۸ ه.ش خاقانی در عرصه مجله‌ها و مقاله‌ها گاهی با اقبال رو به رو بوده و گاهی از کانون نگاه پژوهشگران به کنار رفته است، با توجه به آنکه در شناخت خاقانی و هنر وی کتاب‌های معدودی به چاپ رسیده‌است، مقاله‌هایی که در این زمینه به چاپ رسیده‌اند، اهمیت خاصی می‌یابد. نگارندگان در این پژوهش بر آنند تا همه مقاله‌هایی که در مجله‌ها و

نشریات چاپ شده و همایش های برگزار شده در ایران ، درباره خاقانی که از ابتدای سال ۱۳۰۰ تا پایان سال ۱۳۸۸ ه.ش به چاپ رسیده است ، نقد و تحلیل نماید .

اهداف پژوهش

ارائه کارنامه ای تحلیلی و توصیفی از مقاله هایی که درباره ی خاقانی در مجله های معاصر ایران به چاپ رسیده است ، برای دوستداران خاقانی در محافل ادبی و مجامع دانشگاهی راهنما و اثرگذار است. پژوهشگران به راحتی محدوده و نوع کارهای انجام شده را در می یابند و با توجه به آنکه مقاله ها نقد و ارزیابی شده است ، دیگر پژوهش های تکراری انجام نخواهد شد مگر آنکه نکته یا شیوه ی خاصی در موضوعی لحاظ شده باشد . این کتاب ، مرجعی برای ادب دوستان و پژوهشگران حوزه ی شعر کهن و آثار خاقانی شروانی خواهد شد . در این اثر کوشش نگارنده گان بر این بوده تا به اهداف زیر دست یابد :

۱- ارائه تصویر و گزارشی روشن از خاقانی شناسی در ایران معاصر در آینه مجله های ادبی و سایر نشریات از ابتدای سال ۱۳۰۰-۱۳۸۸ ه.ش.

۲- نقد مقاله هایی که در زمینه خاقانی پژوهی به چاپ رسیده است و مهیا شدن بستر لازم برای نقد و بررسی پژوهش های انجام شده از سال ۱۳۰۰ تا پایان ۱۳۸۸ ه.ش.

۳- توصیف و بررسی مقاله های مطالعه شده تا خوانندگان به راحتی بتوانند از محتوای آنها و میزان کاری که نویسندگان مقاله ها انجام داده اند ، آگاهی یابند .

۴- دسته بندی موضوعی مقاله ها تا به این طریق پژوهشگران در یابند در چه زمینه یا زمینه هایی پژوهش انجام شده و در چه بسترهایی پژوهشی انجام نشده و یا باید کارهای بیشتری انجام شود .

۵- آسیب شناسی خاقانی پژوهی در آینه مطبوعات معاصر ایران .

۶- مهیا کردن بستر لازم برای پژوهش های تازه و نو در خاقانی شناسی .

شیوه پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی با روش اسنادی - تاریخی انجام شده است ، ابتدا همه مقاله های مرتبط با موضوع از میان قدیمی ترین مجله ها تا جدیدترین مجله ها و روزنامه ها از مراکز

علمی کشور و سایت‌هایی چون کتاب‌خانه منطقه‌ای و نورمگز جمع‌آوری شده، سپس بحث‌ها و موضوع‌های اصلی هر مقاله مشخص شده و ذیل عنوان موضوع‌های اصلی ذکر شده است، در مرحله بعدی با توجه به موضوع مقاله، نقدی متناسب با آن انجام شده و ذیل عنوان اشارات آمده‌است و در گام سوم بسامد منابعی که نقش مؤثر در تدوین مقاله داشته‌اند، تعیین شده‌است تا مرجع ذهنی نویسنده مقاله آشکار شود. در انجام این کار دوره مورد مطالعه هشتاد و هشت ساله (۱۳۰۰ ه.ش - ۱۳۸۸ ه.ش) به هشت دهه تقسیم شده و بر پایه سالشمار، مقاله‌های چاپ شده در هر سال بررسی و نقد شده‌است، بنابراین باید گفت این پژوهش در حقیقت بیانگر یک رویداد تاریخی است.

گزارشی تحلیلی انتقادی از کارنامه خاقانی پژوهی (۱۳۰۰-۱۳۸۸ ه.ش) دهه نخست (۱۳۰۹-۱۳۰۰ ه.ش)

در دوره نخست مورد مطالعه، یازده مقاله نگاشته و چاپ شده‌است که تعداد نه مقاله از این مجموع درباره زندگی و احوال خاقانی است و با توجه به ظهور تمایلات ایران‌گرایانه و وطن‌خواهی در آن روزگار، قصیده‌ایوان‌مداین خاقانی نمادی از بازگشت به ایران کهن قلمداد شده و شاعرانی چند به استقبال آن رفته‌اند. از این یازده مقاله، دو مقاله کوتاه به این قصیده اختصاص دارد و در حقیقت یکی از این دو مقاله استقبالی است از این چامه. بیشترین شمار چاپ مقاله در این دوره، مربوط به سال ۱۳۰۴ ه.ش است و موضوع شش مقاله چاپ شده در این سال، زندگی و احوال خاقانی است. سال ۱۳۰۳ ه.ش با چهار مقاله در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد، از این شمار سه مقاله درباره زندگی خاقانی شروانی و یک مقاله درباره ایوان‌مداین است. نخستین مقاله در این روزگار به سال ۱۳۰۲ در استقبال از چامه ایوان‌مداین در مجله ایرانشهر که رویکردی ایران‌گرایانه داشته، به چاپ رسیده‌است، محمد علی ناصح مجموع هفت مقاله از یازده مقاله را نوشته‌است که در این سلسله مقاله‌ها به بیان زندگی، احوال و افکار خاقانی پرداخته‌است. بنا بر این در این دهه دو نویسنده در دو موضوع زندگی و احوال خاقانی (نه مقاله) و تمایلات ایران‌گرایی با توجه به قصیده‌ایوان‌مداین (دو مقاله) مطالبی به چاپ رسانده‌اند.

دهه دوم (۱۳۱۹-۱۳۱۰ ه.ش)

در این دهه دو نامه از نامه‌های خاقانی چاپ شده است که به ترتیب در سال ۱۳۱۰ و ۱۳۱۴ هر سال نامه‌ای از خاقانی به طور کامل و بی کم و کاست به چاپ رسیده است. بنابراین محور توجه در این دهه نامه‌های خاقانی بوده است.

دهه سوم (۱۳۲۹-۱۳۲۰ ه.ش)

در این دهه چهار مقاله به رشته تحریر درآمده است که در سه مورد آن به زندگی و احوال خاقانی پرداخته شده است و محمد معین برای نخستین بار به موضوع آیین مسیحیت در دیوان خاقانی پرداخته است و مقاله خود را با توجه به قصیده ترسایه رقم زده است. (سال ۱۳۲۶ ه.ش) ابیاتی از قصیده ایوان مداین با عنوان گذشته در نظر خاقانی نیز به چاپ رسیده که اطلاق مقاله بر آن نادرست است. بنابراین در این دوره توجه نویسندگان به دو موضوع در آثار خاقانی معطوف بوده است: زندگی و احوال خاقانی (۳مقاله) آیین عیسوی و قصیده ترسایه (۱ مقاله)

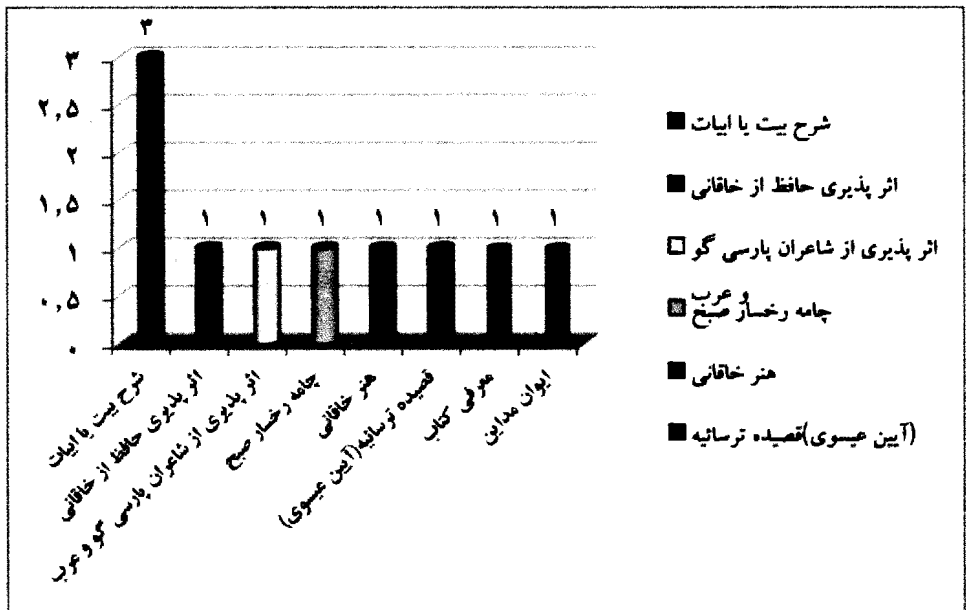
دهه چهارم (۱۳۳۹-۱۳۳۰ ه.ش)

در این دهه ، هشت مقاله به چاپ رسیده است. در سال ۱۳۳۲ ه.ش سه مقاله به رشته تحریر درآمده که در یکی به چامه «رخسار صبح» با توجه به عنصر تشبیه و موسیقی آن پرداخته شده است و ترجمه زرین کوب از مشکلات قصیده ترسایه اثر مینورسکی موضوع مقاله مبسوط دیگر است. در نوشته‌ای مختصر شرح مینورسکی و ترجمه زرین کوب بر آن نیز در مجله نیما معرفی شده است. مرتضوی در تبیین اصطلاح جام جم بخشی از مقاله مفصل خود را به خاقانی اختصاص داده است. (۱۳۳۳ ه.ش) نگاه حافظ به خاقانی محور مقاله‌ای در سال ۱۳۳۵ ه.ش است که در دوره های بعد نیز چند مقاله در این زمینه به چاپ رسیده است. موضوع اثرپذیری خاقانی از شاعران پارسی گو و عرب در مقاله دیگری بیان شده است (سال ۱۳۳۷ ه.ش) و گره گشایی از مشکلات دیوان خاقانی در یادداشت‌های قزوینی در سال ۱۳۳۹ ه.ش. مقاله‌ها در این دهه ، در شش موضوع پرداخته شده است که بیشترین بسامد (۳ مورد) مربوط به شرح واژه یا شرح ابیاتی از دیوان خاقانی است. یادداشت‌های قزوینی (۱۳۳۹ ه.ش) و ترجمه زرین کوب از شرح مینورسکی بر قصیده ترسایه در این زمینه قابل توجه است. سایر موضوع‌هایی که در یک مقاله یا بخشی از آن ، به آن توجه شده از این قرار است: چامه رخسار صبح (در دوره‌های بعد

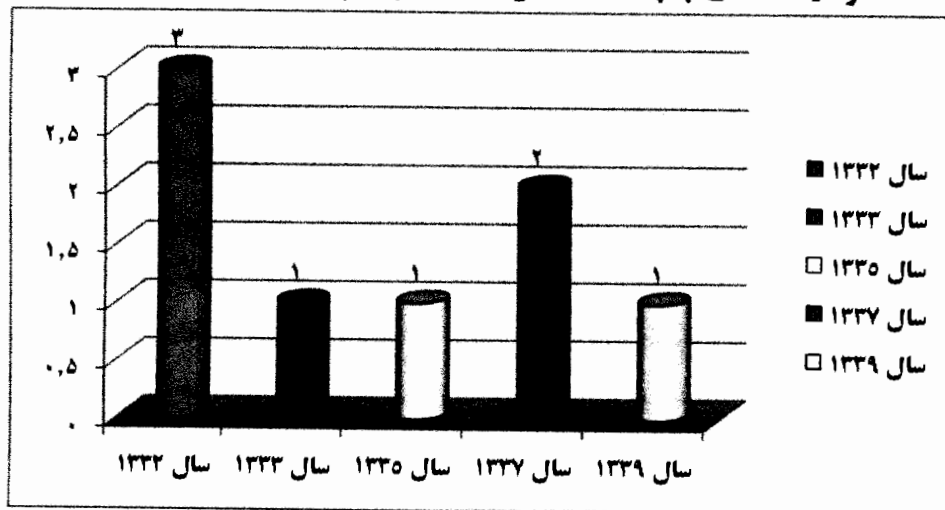
این چامه محور بحث‌ها و مقاله‌هایی شده است، به همین سبب آن را موضوعی پذیرفته‌ایم. هنر خاقانی (منظور از این موضوع در فرایند کلی این پژوهش، مقاله یا بحث‌هایی است که درباره مسایل زیباشناسی چون بدیع لفظی یا بدیع معنوی یا نکته‌های زیباشناسی که در دوره معاصر به آنها پرداخته شده است. مانند آشنایی زدایی یا متناقض نمایی و ...) قصیده معروف به ترسایه، ادب تطبیقی (اثرپذیری خاقانی از شاعران عرب و پارسی گو)، تاثیرپذیری از خاقانی (حافظ و خاقانی)، یادداشتی کوتاه درباره ایوان مداین و ذکر ابیاتی از قصیده معروف خاقانی.

در این دهه مقاله‌ها رنگ پژوهشی به خود گرفته است و نویسندگان نسبت به دهه‌های پیش که ذهن پژوهشگران در پی احوال و زندگی خاقانی بوده است، به موضوعاتی که به درک بهتر شعر شاعر می‌انجامد، روی آورده‌اند.

نمودار بسامد موضوعی دهه چهارم (۱۳۳۹-۱۳۳۰) تعداد مقاله ۸



نمودار مقاله های چاپ شده در سال های دهه چهارم (۱۳۳۰ - ۱۳۳۹) تعداد: ۸ مقاله

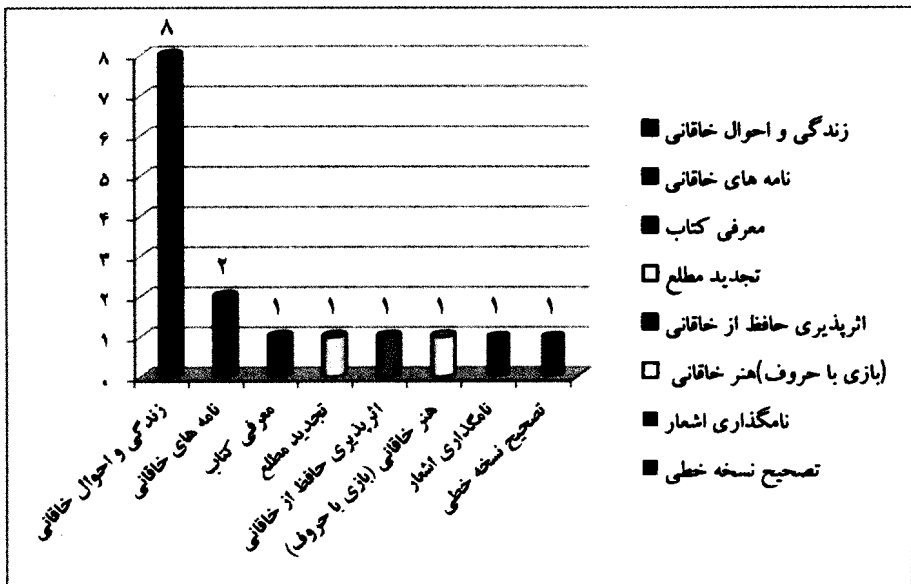


دهه پنجم (۱۳۴۰-۱۳۴۹.ش)

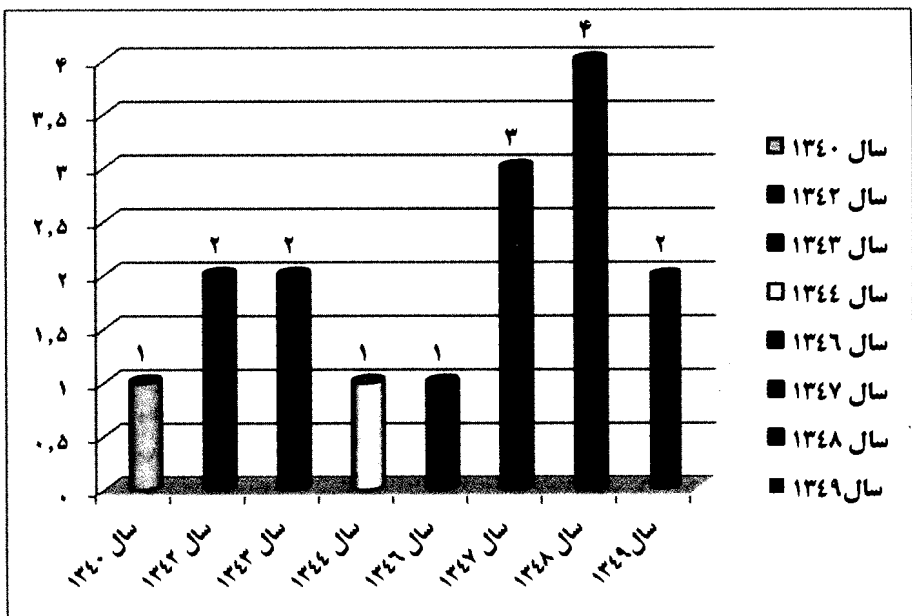
در این روزگار در مجموع شانزده مقاله به رشته تحریر درآمده است. بیشترین چاپ مقاله ها، در سال ۱۳۴۸ چهار مورد و در مرتبه بعد، در سال ۱۳۴۷ ه.ش سه مقاله دیده شده است و در سال های دیگر این دهه دو یا یک مقاله در هر سال به چاپ رسیده است. غفار کندلی هریسچی در شش مقاله به مسائل قابل توجهی از زندگی و احوال خاقانی اشاره کرده است، می توان گفت در زمینه زندگی و احوال خاقانی از ابتدای سال ۱۳۰۰ تا پایان ۱۳۸۸ ه.ش مقاله های هریسچی ارزنده ترین کارها است هرچند نقدهایی نیز بر آنها وارد است. مقاله قابل توجه دیگر در این زمان از مسعود فرزاد، حافظ پژوه آن دوره است که به طور مبسوط به اثرپذیری حافظ از خاقانی پرداخته است. مقاله ضیاء الدین سجادی در تبیین موضوع بازی خاقانی با حروف و واژگان (ویژگی هنری) قابل توجه است، در دوره های بعد نیز این موضوع زمینه نگارش مقاله هایی شده است. سجادی در مقاله مبسوطی مثنوی ختم الغرایب را تصحیح و معرفی کرده است. مقاله ها در این دوره در هشت موضوع به ترتیب بسامد چاپ شده است: زندگی و احوال خاقانی (۸ مورد)، نامه های خاقانی (۲ مورد) و موارد بعدی به ترتیب یک

مورد: معرفی کتاب، تجدید مطلع، اثرپذیری حافظ از خاقانی، جنبه‌های هنری شعر خاقانی، نامگذاری اشعار و تصحیح نسخه خطی

نمودار بسامد موضوعی دهه پنجم ۱۳۴۹-۱۳۴۰ تعداد مقاله: ۱۶



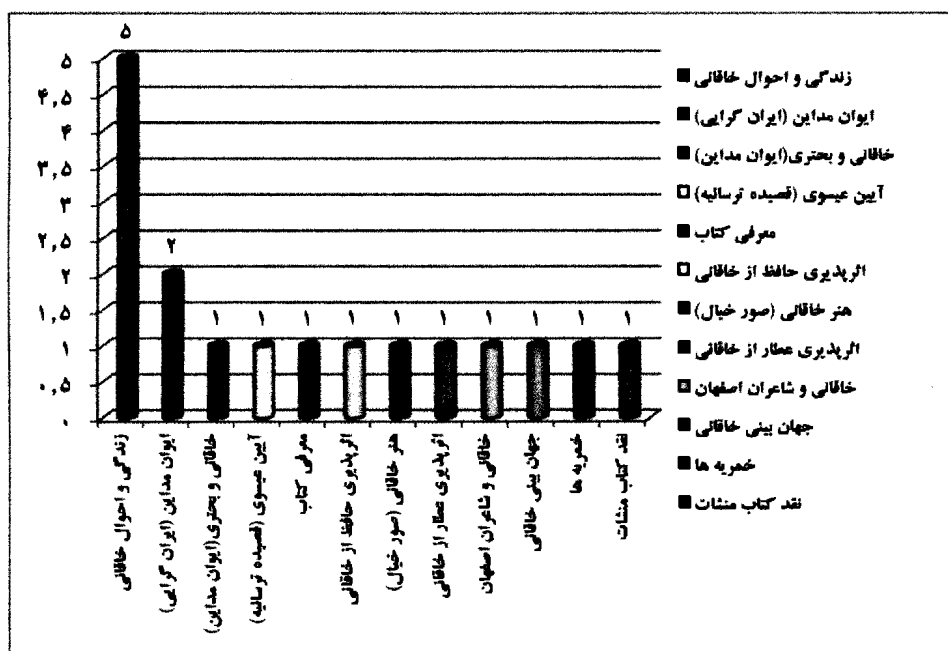
نمودار مقاله‌های چاپ شده در سال‌های دهه پنجم (۱۳۴۹-۱۳۴۰) تعداد کل مقاله: ۱۶



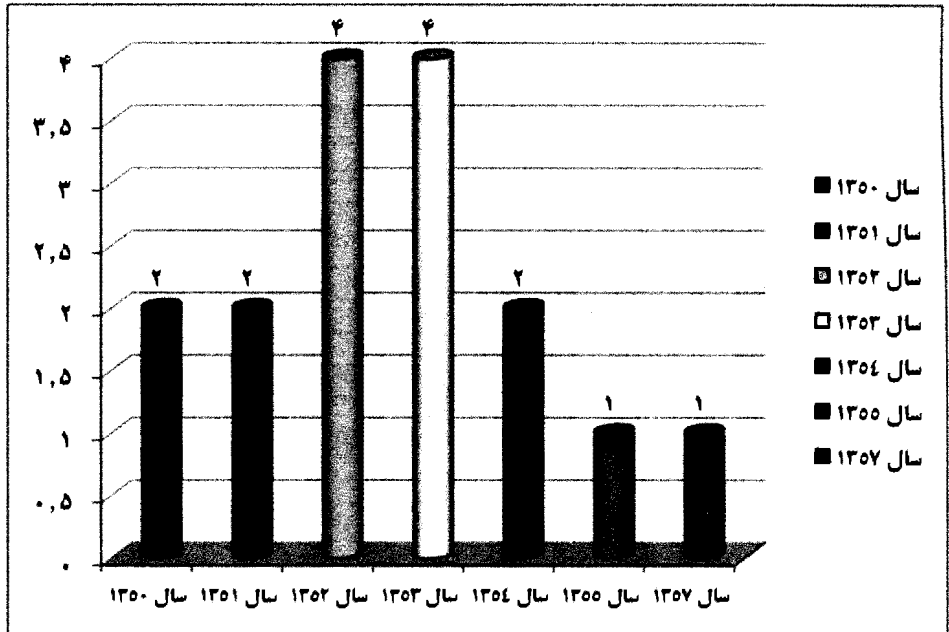
دهه ششم (۱۳۵۹-۱۳۵۰ ه.ش)

از شانزده مقاله‌ای که در این دهه به چاپ رسیده است، چهار فقره در سال ۱۳۵۳ و چهار مورد در سال ۱۳۵۲ ه.ش چاپ است. از جمله مقاله‌های قابل توجه در این دهه می‌توان به این موارد اشاره کرد: تصحیح ضیاءالدین سجادی بر شرح قصیده مسیحیه تألیف جمال الدین احمد لاهیجی و نیز مقاله اثرپذیری حافظ از خاقانی از همان نویسنده و مقاله‌های غفار کندلی هریسچی که موضوع آنها زندگی و احوال خاقانی است. هریسچی با ۳ مقاله و ضیاء الدین سجادی با ۳ مقاله در این دهه بیشترین مقاله‌ها را به رشته تحریر درآورده‌اند. بیشترین بسامد موضوعی مقاله‌ها مربوط به زندگی و احوال خاقانی است (۵ مورد که کندلی هریسچی در ۳ مقاله مطالب زیاد و قابل توجه‌ای بیان کرده است). ایوان مداین (ایران گرای) نیز در این دهه مورد توجه بوده است و دو مقاله در این موضوع به چاپ رسیده است. در موضوعات دیگر به این ترتیب یک مقاله به چاپ رسیده است: ادب تطبیقی (ستایش خاقانی و بحتری از ایوان مداین)، آیین عیسوی (چامه ترسایه)، معرفی کتاب، نقد کتاب منشآت، اثرپذیری حافظ از خاقانی، هنر خاقانی (صور خیال)، خاقانی و شاعران اصفهان، جهان بینی خاقانی، خمربه

نمودار بسامد موضوعی دهه ششم ۱۳۵۹-۱۳۵۰ تعداد مقاله: ۱۶



نمودار مقاله‌های چاپ شده در سال‌های دهه ششم (۱۳۵۰-۱۳۵۹) تعداد مقاله: ۱۶

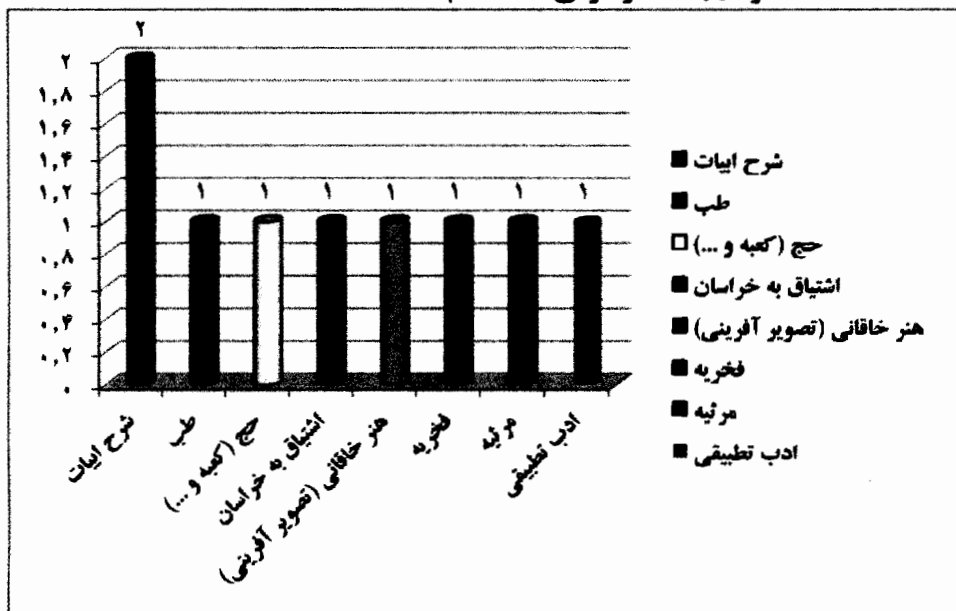


دهه هفتم (۱۳۶۰-۱۳۶۹ ش.ه)

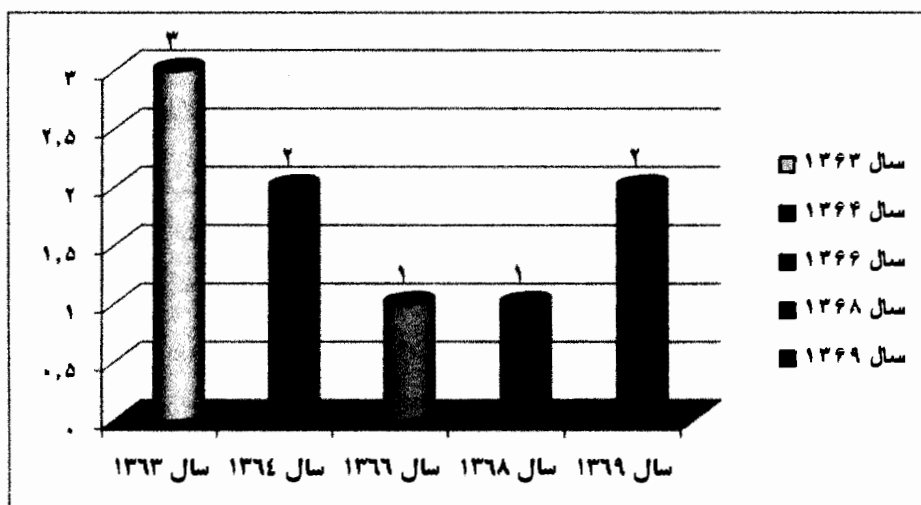
در این دهه، نه مقاله چاپ شده است و در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۵ و سال ۱۳۶۷ مقاله‌ای با موضوع خاقانی در نشریات دیده نشده است. از دلایل این کم توجهی می‌توان به مسائلی چون انقلاب فرهنگی و وقوع جنگ تحمیلی و درگیر شدن جامعه دانشگاهی کشور در آن اشاره کرد. از این تعداد مقاله، دو مورد به نقد و بررسی کتاب‌های تجلی شاعرانه اساطیر و روایات تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی و کتاب رخسار صبح اختصاص دارد. در دو مقاله به شرح نکته یا بیان نکات تازه‌ای در اشعار خاقانی پرداخته شده است، در موضوعات طب در اشعار خاقانی، حج، هنر تصویر آفرینی، مفاخره و مقایسه تطبیقی مرثیه‌های خاقانی و ویکتور هوگو یک مقاله دیده شد. مقاله «مقایسه مراثی خاقانی و هوگو در سوگ فرزندان» از رضا ایران دوست تبریزی، و مقاله «طرح چند بیت از خاقانی و توضیح یک ماجرای تاریخی

از قصیده ای از وی، از سعید قره بگلو و همچنین اصطلاحات طبی در آثار خاقانی، از برات زنجانی در این دهه قابل توجه اند.

نمودار بسامد موضوعی دهه هفتم ۱۳۶۰ - ۱۳۶۹ تعداد مقاله: ۹



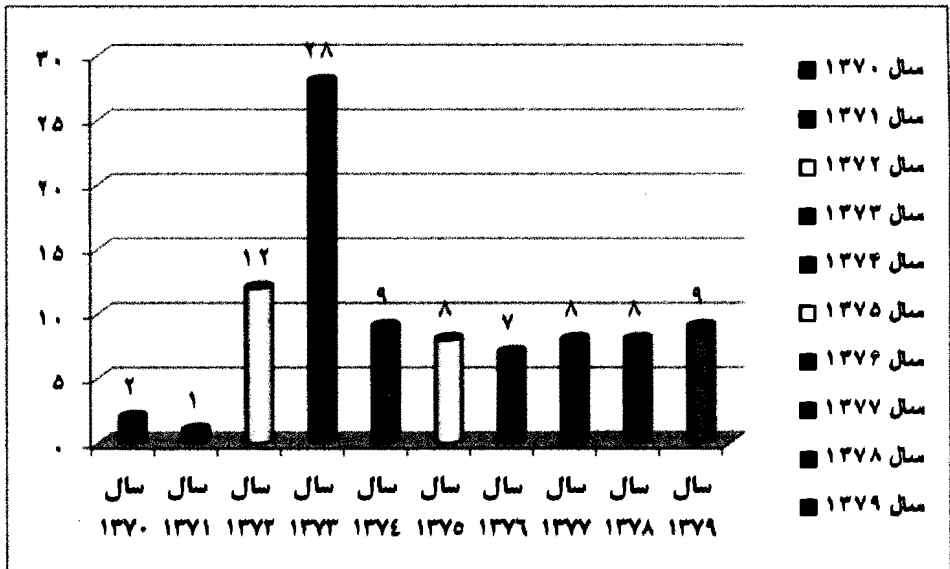
نمودار مقاله‌های چاپ شده در سال‌های دهه هفتم (۱۳۶۰ - ۱۳۶۹) تعداد مقاله: ۹



دهه هشتم (۱۳۷۹ - ۱۳۷۰ ه.ش)

در این دهه نود و دو مقاله به چاپ رسیده است. بالاترین بسامد چاپ مقاله درباره خاقانی سال ۱۳۷۳ با بیست و هشت مقاله و کمترین بسامد سال ۱۳۷۱ با یک مقاله است.

نمودار تعداد مقاله های چاپ شده در سال (دهه هشتم ۱۳۷۹ - ۱۳۷۰) تعداد کل مقاله: ۹۲



از تعداد قابل توجه مقاله ها در سال ۱۳۷۳، بیست و هشت مورد آن در روزنامه کیهان به چاپ رسیده است، این مقاله ها ارزش پژوهشی نداشته و نکته تازه یا خاصی در آنها بیان نشده است و کاملاً حال و هوای نثر روزنامه ای را در آنها می توان حس کرد. ذهن و قلم نویسندگان این مقاله ها نمودی ندارد بلکه بیشتر نثر منابع مورد استفاده است که خودنمایی می کند. مقاله عباس ماهیار با عنوان «خاقانی در راه کعبه» بر پایه قصیده نهزه الارواح و نزه الاشباح که آن را نخستین سفرنامه منظوم پارسی دانسته اند، و در مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد به چاپ رسیده، در این سال قابل توجه است.

سال ۱۳۷۲ از نظر چاپ تعداد مقاله در جایگاه دوم قرار دارد. از تعداد دوازده مقاله در این سال، در چهار مقاله به شرح نکته یا نکته هایی در ایساتی از خاقانی پرداخته شده است، مقاله «راز پنهان» از عباس ماهیار در این میان جالب توجه است. محور مقاله ی «سم خر عیسی، نعل

اسب سیدالشهداء» از جمشید مظاهری (سروشیار) و «گوشه ای از تأثیر داستان پیامبران در شعر خاقانی» اثر عباس ماهیار هر دو به شرح و بررسی بیت: «سم آن خر به اشک چشم و چهره // بگیرم در زر و یاقوت صحرا» از قصیده مشهور ترسائیه پرداخته اند. در هر دو مقاله در تبیین بیت مطالب ارزشمندی بیان شده است.

ملیحه کرباسیان نیز در شرح «کهن گرگ خشن» در بیت: «تیرباران سحر دارم، سپر چون نفکند // این کهن گرگ خشن بارانی از غوغای من» به نکته‌های ارزنده‌ای اشاره کرده است. سعید قره بگلو در تبیین معنای ابیات در مقاله «تأملی در دیوان خاقانی» به تصحیح ابیاتی پرداخته که به دریافت بهتری از ابیات می‌انجامد.

در دو مقاله که به معرفی و نقد کتاب اختصاص یافته است، مقاله مؤید شیرازی (تابلوی گم شده) در نقد معنی و توضیحاتی که کزازی در کتاب رخسار صبح ذیل پاره‌ای ابیات ارائه کرده‌اند، قابل توجه است.

موضوعات دیگر مقاله‌های چاپ شده سال ۱۳۷۲ از این قرار است: شکوایه‌های خاقانی، تأثر حافظ از خاقانی، تصویرسازی با آلات موسیقی و حج بر پایه توضیحات و شواهدی از مثنوی تحفه العراقین است که مقاله اخیر «حج خاقانی» از محمد محیط طباطبایی فاقد ارزش پژوهشی است. اثرپذیری مولوی از خاقانی که نکته خاصی در این مقاله بیان نشده است و اثرپذیری خاقانی از شاهنامه در نوشته‌ای نیم صفحه‌ای که فقط به موضوع اشاره شده است.

نه مقاله از مجموع مقاله‌های این دهه، در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسیده است. محور سه مقاله، معرفی نسخه‌های خطی است، امیرحسین عابدی در مقاله «شرح قصاید خاقانی» به معرفی نسخه‌های خطی شروح قصاید خاقانی در هند پرداخته است. محمدحسین کرمی به معرفی عبدالوهاب حسینی و شرح وی بر قصاید خاقانی پرداخته است. معرفی نسخه خطی تحفه العراقین از مجموع کتاب‌های خطی مرحوم آیت اله مختاریان، موضوع مقاله نسخه نو یافته اشعار خاقانی از منوچهر مظفریان است.

در مقاله‌ای که به شرح بیت اختصاص دارد، «کوس رب هب لی (شرح بیتی از خاقانی)» نکته خاصی بیان نشده است، موضوع قابل توجه طب در دیوان خاقانی، در مقاله «جلوه‌های شاعرانه درد در شعر خاقانی» از عبدالرحیم ثابت نمود یافته که نکته‌های خوبی در شرح این

مضمون در ابیاتی از دیوان ارائه کرده، هرچند به جلوه‌های شاعرانه موضوع پرداخته است. نازک خیالی‌های خاقانی که سبب شده کسانی خاقانی را مقدمه ظهور سبک هندی بدانند در مقاله «خاقانی و سبک هندی» از حسن لی قابل ملاحظه است. معدن کن کوشیده است ریشه نگاه منفی خاقانی را به دنیا در مقاله «بینی خاقانی» تبیین کند.

هشت مقاله در سال ۱۳۷۵ به چاپ رسیده است که موضوع‌هایی چون ترکیب سازی، زن، ایران‌گرایی در مقاله‌های «پرتوی از خلاقیت و هنر خاقانی»، «نقش زنان در دیوان خاقانی» و «خاقانی هم آوا با شعوبیان» قابل توجه است. موضوع و مقاله قابل توجه دیگر «تسیح گل حمزه» از داوود اسپرهم است که محور آن تصحیح ییتی از قصیده ایوان مداین است:

هر کس برد از مکه سبزه ز گل حمزه پس تو ز مدائن بر تسیح گل سلمان

یاد از استاد سجادی، توجه به سرزمین گیلان و معرفی و نقد کتاب از محورهای دیگر مقالات این سال است.

از هشت مقاله‌ای که در سال ۱۳۷۷ به رشته تحریر درآمده است، در سه مورد به نقد و بررسی کتاب‌های تدوین شده درباره خاقانی، پرداخته شده است. حج و بازتاب آیات قرآن در دو مقاله دیگر نمود یافته است از این میان مقاله ناهید سادات پزشکی، «حج در آینه شعر خاقانی»، فاقد ارزش پژوهشی است. روح الله هادی بر آن بوده تا ویژگی‌های برتری کلام خاقانی را در مقاله «یک تن به از هزار» بیان کند اما دشواری کار نویسنده در مرحله ادعا باقی مانده است. تصحیح متن و نسخه‌شناسی محور مقاله کوتاه «صحبت یا خاقانی» است. سازها و اصطلاحات موسیقی موضوع مقاله «شاعران موسیقی دان، موسیقی دانان شاعر» از مهدی ستایشگر است که بیشتر توصیفی است و جنبه تحلیلی و زیباشناسی ندارد.

در سال ۱۳۷۶ هفت مقاله به چاپ رسیده است. در دو مقاله به معرفی کتاب پرداخته شده است، مقاله «عبارت‌های وصفی در دیوان خاقانی» از حسین وثوقی به خوبی شیوه خاص شاعر را در عبارت‌پردازی یا ترکیب‌های وصفی نمایانده است. بازی‌های کودکانه، خاقانی و سپاهان و باورهای عیسوی و عاشورا از موضوع‌هایی است که در این سال به آنها توجه شده است اما مقاله‌های شایسته‌ای در این زمینه‌ها پرداخته نشده است.

در سال ۱۳۷۸ هشت مقاله در این موضوعها چاپ شده است: ویژگیهای غزل خاقانی، نامهای معشوق در غزلیات خاقانی، حج، معرفی نسخه ختم الغرایب، نقد و بررسی کتاب، معرفی بابهای تحفه العراقین و ایوان مداین. باید گفت مقاله‌های «تأملی بر غزل‌های خاقانی»، «حج در اشعار حسن العجم» و «نگاهی به مثنوی تحفه العراقین» و «خاقانی و ایوان مداین» ارزش پژوهشی ندارند و نکته خاص یا تازه‌ای در آنها بیان نشده است. مقاله ایرج افشار در معرفی قدیمی‌ترین نسخه ختم الغرایب متعلق به کتابخانه ملی اتریش در این سال قابل توجه است. مقاله سجاد آیدنلو با عنوان «دریچه‌ای به سراچه آوا و رنگ» در نقد کتاب سراچه آوا و رنگ که در کتاب ماه، شماره ۱۷، اسفند ۱۳۷۷ نیز چاپ شده، در این سال نیز با عنوان «نقدی بر سراچه آوا و رنگ، تاملاتی دیگر در شناخت خاقانی در شماره ۱۵۳ مجله کیهان فرهنگی چاپ شده است. مقاله «نام‌های شاعرانه معشوق در غزلیات خاقانی، نظامی و سعدی»، جنبه تحلیلی قوی ندارد و خواننده در نمی‌یابد، چرا این سه شاعر در قیاس با هم در این موضوع برگزیده شده‌اند.

از نه مقاله‌ای که در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده است این موضوعها قابل توجه است: صور فلکی (خورشید)، اندیشه‌های خاقانی، ارزش‌های هنری شعر خاقانی، سبک منشآت (سبک شناسی آثار خاقانی)، حج، معرفی کتاب، عدد، مدح خاقانی

از مقاله‌های قابل توجه در این سال می‌توان به این موارد اشاره کرد: «اسطوره خورشید در شعر خاقانی» از حمیرا زمردی که مطالب ارزنده‌ای درباره خورشید و جایگاه آن در دیوان خاقانی آورده است و مقاله «دیداری دیگر با خاقانی» اثر محمد فاضلی که نویسنده کوشیده، گوشه‌هایی از جنبه‌های هنری شعر خاقانی را نقد و ارزیابی کند.

درباره موضوع حج در دیوان خاقانی معمولاً نوشته‌هایی دیده می‌شود اما معمولاً فاقد تحلیل‌اند. مقاله «کعبه و مناسک حج در شعر خاقانی» از سید جعفر حمیدی از این مقوله است. در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ این دهه، کمترین شمار مقاله درباره خاقانی به چاپ رسیده است که به ترتیب دو و یک مقاله در این سال‌ها دیده شده است و از این شمار در سال ۱۳۷۰ یک مقاله به معرفی نسخه ختم الغرایب اختصاص دارد و مقاله‌ای به عدد و چند و چون کاربرد آن در شعر خاقانی پرداخته است. حسین مختاری در سال ۱۳۷۱ در مقاله «ردیف در شعر

خاقانی» به مواردی از این موضوع در دیوان شاعر اشاره کرده است که زمینه برای پژوهش در این بستر، فراتر از یک مقاله است.

جدول بسامد موضوعی مقاله‌ها در دهه هشتم (۱۳۷۹ - ۱۳۷۰ ه.ش)

موضوع	فراوانی	درصد
شناخت ادیان	۱۷	٪۱۸
زندگی خاقانی	۶	٪۶/۵
بررسی و معرفی کتاب	۶	٪۶/۵
نقد و بررسی کتاب	۶	٪۶/۵
شرح بیت یا ابیات	۵	٪۵/۴
معرفی نسخه یا نسخ خطی	۴	٪۴/۳
ایران گرایی (ایوان مداین)	۴	٪۴/۳
زیبا شناسی	۴	٪۴/۳
تصحیح بیت یا ابیات	۳	٪۳/۲
آلات موسیقی	۳	٪۳/۲
تحفه العراقین	۳	٪۳/۲
گونه های ادبی	۳	٪۳/۲
نجوم	۳	٪۳/۲
حکمت و مثل	۳	٪۳/۲
اعداد	۳	٪۳/۲
موسیقی شعر	۲	٪۲/۲
تاثیرپذیری از خاقانی (حافظ و خاقانی)	۲	٪۲/۲
زبان خاقانی	۲	٪۲/۲
غزل خاقانی	۲	٪۲/۲
طب	۱	٪۱
سبک شناسی	۱	٪۱
جهان بینی خاقانی	۱	٪۱

خاقانی و سبک هندی	۱	٪۱
گیلان	۱	٪۱
سپاهان (اصفهان)	۱	٪۱
زن	۱	٪۱
خاقانی پژوهان	۱	٪۱
کودکانه ها	۱	٪۱
منشآت	۱	٪۱
قصیده منطق الطیر	۱	٪۱
اثربرداری خاقانی از شاهنامه	۱	٪۱
اثربرداری مولوی از خاقانی	۱	٪۱
جمع کل	۹۳	٪۱۰۰

مجموع نود و دو مقاله که در این دهه به چاپ رسیده است به سی و دو موضوع پرداخته شده است که بیشترین توجه به مسایل دینی و شناخت ادیان معطوف بوده است. از ۱۷ مقاله چاپ شده در این موضوع، ۱۳ مقاله به دین اسلام توجه شده است و از این تعداد، ۶ مورد به بازتاب آیین حج در دیوان یا آثار دیگر خاقانی پرداخته شده است. مقاله‌های دیگر مربوط به دین اسلام با بسامد یک مورد از این قرار است: خاندان عصمت، زندگی آدم (ع)، زندگی سلیمان (ع)، زندگی نوح (ع)، عاشورا (امام حسین)، قرآن، زندگی داوود (ع) باید توجه داشت در موضوع‌های اخیر مقاله ارزنده و قابل توجهی به چاپ نرسیده است. مقاله‌های مربوط به حج و ابعاد آن نیز بیشتر توصیفی است و ارزش پژوهشی کم رنگی دارند. ۴ مقاله در حوزه شناخت ادیان به آیین مسیحیت اختصاص دارد که یک مورد آن به قصیده معروف به ترسایه پرداخته شده است.

معرفی نسخه‌های خطی و معرفی یا نقد کتاب دومین موضوعی است که بسامد قابل توجهی از مقاله‌ها به آن اختصاص داشته است (۱۶ مقاله)، از این تعداد ۶ مقاله به معرفی کتاب، ۶ مقاله به نقد و بررسی کتاب و ۴ مقاله به معرفی نسخ یا نسخه خطی اختصاص دارد. موضوع

بعدی که تعداد مقاله‌های قابل توجهی در آن به رشته تحریر درآمده است، نکته قابل توجه دیگر شرح ابیات و یا تصحیح ابیاتی از دیوان خاقانی است که به درک درست‌تر یا بهتر شعر خاقانی می‌انجامد، ۸ مقاله در این زمینه چاپ شده که همگی قابل توجه‌اند. (۵ مقاله شرح ابیات و ۳ مقاله تصحیح ابیات) در این دهه آگاهی از زندگی خاقانی نیز دستمایه ۶ مقاله شده است و البته نکته خاص یا تازه‌ای در این گروه از مقاله‌ها نیز ذکر نشده است. در ۴ مقاله یا بخش‌هایی از این مقاله‌ها به ویژگی‌های هنری کلام خاقانی چون تشبیه یا استعاره توجه شده است. پژوهشگران در چهار مقاله به ایوان مداین و قصیده خاقانی در این زمینه پرداخته‌اند که به نکته قابل توجه‌ای اشاره نکرده‌اند.

سایر موضوع‌هایی که در این دهه به آنها توجه شده است و بسامد یک تا سه مورد دارد از این قرار است: آلات موسیقی (۳ مقاله)، نجوم (۳ مقاله)، حکمت و مثل (۳ مقاله)، عدد (۳ مقاله)، تحفه العراقین (۳ مقاله)، گونه‌های ادبی ۳ مقاله (شامل فخریه ۱ مورد، شکواییه و مدحیات خاقانی ۱ مورد)، موسیقی شعر، ردیف یا وزن شعر خاقانی (۲ مقاله) حافظ و خاقانی (۲ مقاله)، ترکیب‌سازی (۲ مقاله)، غزل (۲ مقاله) در موارد دیگر نیز یک مقاله دیده شده است: جهان بینی خاقانی، طب، خاقانی و سبک هندی، سبک شناسی، گیلان، سپاهان، زن، خاقانی پژوهان، بازی‌های کودکان، منشآت، قصیده منطق الطیر، اثرپذیری خاقانی از شاهنامه، اثرپذیری مولوی از خاقانی

دوره آخر مورد مطالعه: ۱۳۸۸-۱۳۸۰ ش.ه

مهم‌ترین و پربرترین دوره خاقانی پژوهی در دهه‌های مورد مطالعه، سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ ش.ه است که ۲۱۶ مقاله در این دوره به چاپ رسیده است و تنوع موضوع‌ها نیز چشمگیر است. در عنوان بندی‌های کلی موضوع‌ها ۴۲ موضوع قابل دسته‌بندی است اما با نگرش جزئی‌تر، ۸۳ موضوع دیده می‌شود. مقاله‌های علمی و پژوهشی در این زمان بسامد بالایی دارد و بنابراین درصد مقاله‌های ارزنده بیشتر است.

در سال ۱۳۸۰ یازده مقاله درباره خاقانی به چاپ رسیده است، سه مقاله از این تعداد به مسائل دین اسلام پرداخته است، مقاله محمدحسین کرمی با عنوان «بازتاب هنری اندیشه دینی

در هفت چکامه نخست دیوان خاقانی قابل توجه است، مقاله «خاقانی شاعر صبح» در واقع نوشته‌ای یک صفحه‌ای است که به ستایش‌های پیامبر در دیوان خاقانی اشاره کرده است و مقاله «دجال در شعر خاقانی» از احمد احمدی که بیشتر به معرفی دجال در ادیان مختلف پرداخته است، نتایج ایدئولوژیک و غیر علمی از کار ارائه کرده است و در واقع به ابعاد موضوع در دیوان چندان نپرداخته است. از دیگر مقاله‌های قابل توجه در این سال، مقاله «تنگلوشا» از عباس ماهیار است که به شرح این کلمه در دیوان پرداخته است. ابوالقاسم رادفر در مقاله «خاقانی و هند»، نسخه‌های خطی را که به شعر یا زندگی خاقانی مربوط است، به خوبی معرفی کرده است. به طور کلی موضوعات مورد پژوهش در این سال از این قرار است: موضوع‌های آیین اسلام: سه مقاله، شرح بیت: یک مقاله، زن در دیوان خاقانی: یک مقاله، اثر فردوسی بر خاقانی: یک مقاله، بررسی و معرفی کتاب و نسخه خطی: سه مقاله، تصاویر شاعرانه (سازها): یک مقاله، نقد شعر خاقانی: یک مقاله در موضوع آخر محمد مهدی پور در مقاله نقدی بر مضامین شعر خاقانی، با رویکرد اخلاقی (ترک ادب شرعی) به نقد ابیات مدح آمیز خاقانی پرداخته که ممدوح را از رسول (ص) یا بزرگان دینی والاتر نشان داده و یا شأن آنها را از کعبه والاتر دیده است...

در سال ۱۳۸۱ ده مقاله به چاپ رسیده است. موضوع‌ها و بسامد مقاله‌های ارائه شده از این قرار است: موسیقی شعر خاقانی ۲ مقاله، فخریه‌های خاقانی ۱ مقاله، اثر زبان عربی بر شعر خاقانی ۱ مقاله، خاقانی پژوهان ۱ مقاله، حج ۱ مقاله، عرفان خاقانی ۱ مقاله، زندگی خاقانی ۱ مقاله، معرفی کتاب ۱ مقاله، نقد کتاب ۱ مقاله.

محسن ذوالفقاری در مقاله «تحلیل انتقادی بر موسیقی شعر خاقانی» نکات ارزنده‌ای درباره اوزان در دیوان بر پایه بسامد آنها بیان کرده است. کزازی در مقاله «خود کم بین بر منش» به ریشه‌یابی خودشناسی خاقانی پرداخته است و با اشاره به نیروی آفرینشگر هنرمند و نقش آن در فخر به درک بهتر موضوع یاری کرده است. «شعر آفتابی» از سعید قره بگلو از مقاله‌های قابل توجه دیگر در این سال است که نویسنده کوشیده تحلیلی بر توجه بسیار شاعر به حج ارائه کند. قصیده‌های خاقانی با رنگ و بوی صوفیانه و اصطلاحات فراوان این مکتب همواره ذهن خوانندگان پژوهشگر را متوجه این امر می‌کرده است که خاقانی اهل سلوک بوده یا خیر؟

مقاله معدن‌کن با عنوان «عرفان خاقانی» در این موضوع راهگشا است و منصفانه به رشته تحریر درآمده است. کتاب گزارش دشواری‌های شعر خاقانی از کزازی از شرح‌های جدید روزگار، درباره خاقانی است، علی‌اکبر باقری خلیلی در مقاله «نقدی بر گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی»، نکات ارزنده‌ای در شرح چند اصطلاح طبی که از آن کتاب به آن توجه شده، بیان کرده است. شفیع کدکنی بر پایه کتاب التدوین رافعی به نکته‌های شایسته‌ای درباره روحیه و شخصیت خاقانی اشاره کرده است.

در سال ۱۳۸۲ دوازده مقاله درباره خاقانی به چاپ رسیده است که در چهار مقاله به شرح ابیات یا بیان نکته‌ای پرداخته شده است. مهدی نیک‌منش در مقاله با «خاقانی و ناجرمکی» کوشیده بر پایه ساختار کلمه ناجرمکی در قصیده ترسائه به شرح و معنای تازه‌ای از بیت دست یابد. کزازی در مقاله «نقطه ساکن نمای خاک» که برگرفته از بیت: «...گل مهره‌ای است نقطه ساکن نمای خاک»، به نکات ارزنده‌ای اشاره کرده است.

شفیع کدکنی در مقاله «خاقانی و محیط ادبی تبریز (براساس سفینه تبریز)» به نکته‌های خوبی درباره زندگی شاعر و دیدارش با اثراخسیکتی اشاره کرده است. مقاله‌های «مسیح و مریم در دیوان خاقانی» و «سیمای حضرت محمد در شعر خاقانی شروانی» بیشتر توصیفی است و مقاله میرباقری فرد با عنوان «گنج فقر (بررسی و تحلیل صوفیانه‌های خاقانی)» قابل توجه است.

در سال ۱۳۸۳ شانزده مقاله به چاپ رسیده است که در چهار مقاله به مسائل هنری و زیباشناسی شعر خاقانی پرداخته شده است و دو مقاله نیز به شرح بیت یا واژه اختصاص دارد. در موضوعات دیگر به این ترتیب یک مقاله کار شده است: تصحیح واژه، علوم غریبه، چشم زخم، موسیقی شعر خاقانی، معرفی نسخه‌های شرح‌های خاقانی، نقد کتاب، ادب تطبیقی (فخر خاقانی و مبتنی)، قلندریات خاقانی و حافظ، اثرپذیری خاقانی از شاهنامه، قیاس منطق الطیر خاقانی و عطار.

در موضوع هنر و زیباشناسی شعر خاقانی در مقاله «واج آرایی و تکرار» از محمدحسین کرمی و سعید حسام‌پور، مطالب شایسته‌ای ارائه شده است، نیز در مقاله «آرایش و آفرینش واکه‌ای شیوه‌ای بدیع در آفرینش هنری» از محمدحسین کرمی، آفرینش هنری خاقانی به

کممک حروف و واک‌های کلمات به صورت مجزا یا مقطع مطالب ارزنده‌ای بیان شده است. مهدی نیک‌منش مقاله قابل توجهی در تصحیح بیتی از قصیده حرزالحجاز ارائه کرده است. بهروز ایمانی در مقاله «در جستجوی نسخ خطی شروح شعرهای خاقانی شروانی»، به شرح‌ها و شارحان پرداخته و آگاهی‌های ارزشمندی به خواننده ارائه داده است. خلیل پروینی و تورج زینی‌وند به خوبی در مقاله «فخر در شعر مبتنی و خاقانی» به ابعاد این موضوع و دلایل فخر دو شاعر و همگونی آنها پرداخته‌اند. مقاله «نکته‌هایی درباره تلمیحات شاهنامه‌ای خاقانی» از سجاد آیدنلو، نیز در این سال قابل توجه است و مطالب ارزنده‌ای از اثرپذیری خاقانی از شاهنامه بیان کرده است. مقاله «نگاهی دوباره به شرح ابیانی از خاقانی» از سعید قره بگلو، نکته‌هایی را که در گزیده‌های چاپ شده درباره خاقانی نیامده، بیان کرده که ظرافت نگاه نویسنده قابل تحسین است. احمد گلی نیز در مقاله «قلندریات خاقانی و حافظ» به خوبی همانندی‌های فکر خاقانی و حافظ در اندیشه‌های قلندری را نشان داده است. باید گفت اغلب مقاله‌ها در این سال خواندنی است و نویسندگان در پروراندن موضوع کوشش کرده‌اند و در حقیقت خواننده در یک نگاه کلی در می‌یابد که جاده خاقانی پژوهشی کوبیده و هموار شده است.

اوج کار پژوهشگران درباره خاقانی و بالاترین بسامد مقاله‌ها مربوط به سال ۱۳۸۴ است. از مجموع هشتاد مقاله که در این سال به چاپ رسیده است، تعداد چهار و پنج مقاله در مجله‌ها [یکی دو مورد از این شمار در روزنامه‌ها] به چاپ رسیده است، برپایی همایش ملی با عنوان خاقانی‌شناسی در دانشگاه ارومیه و سی و پنج مقاله که در قالب مجموعه مقاله آن همایش به چاپ رسیده است، بخشی دیگر از کارنامه خاقانی پژوهشی در این سال است.

مقاله‌های ارائه شده در نشریات، در بیست و چهار موضوع سامان یافته است. بالاترین بسامد مربوط به نقد و بررسی کتاب است که هشت مقاله در این زمینه به چاپ رسیده است و بررسی و نقد گزیده‌هایی که از شعر خاقانی به چاپ رسیده است، در این موضوع قابل توجه است. از هشت مقاله در موضوع ادیان و عرفان، سه مورد آن به زندگی پیامبر(ص)، کعبه و تعبیرات قرآنی اختصاص دارد و دو مقاله در حوزه عرفان یا اندیشه‌های عرفانی خاقانی، یک مقاله در آیین ترسایی و یک مقاله به اشاره‌هایی که نشان دهنده آگاهی خاقانی از زرتشت و اوستا است، اختصاص یافته است. هنر خاقانی یا ویژگی‌های شعر خاقانی موضوع قابل توجه

دیگر در این سال است که پنج مقاله در این مقوله به چاپ رسیده است و به مسائلی چون بازی با حروف و واژگان، صور خیال، تصویرپردازی با آلات موسیقی و جنبه های تصویری خمیه های خاقانی و ایهام توجه شده است. باید گفت به جز مقاله احمد غنی پور ملکشاه با عنوان «ایهام در شعر خاقانی» و مقاله کاووس حسن لی با عنوان «رفتارهای خاقانی با ساخته های هنری خود» که از انسجام و تمرکز بر موضوع برخوردارند، مقاله های دیگر این ویژگی را ندارند. در زمینه زندگی و احوال و شخصیت خاقانی سه مقاله به چاپ رسیده است. در دو مقاله نیز به اثرپذیری حافظ از خاقانی پرداخته شده است. قصیده معروف خاقانی با عنوان ایوان مداین که در نظر برخی از پژوهشگران نشانه ای از افکار ملی شاعر است، دستمایه دو مقاله کوتاه است. در موضوع حبسیه نیز دو مقاله به چاپ رسیده است که علی آذرگون به مقایسه حبسیه های مسعود سعد و خاقانی پرداخته است. هر چند خواننده مطلب تازه یا تحلیلی بر مبنایی خاص در آن مقاله نمی یابد. سکینه رسمی نیز در مقاله ای به نقد روانشناسی تصویر پرندگان در حبسیه های فارسی پرداخته است که بخشی از آن به حبسیه های خاقانی اختصاص دارد. محمدجواد شریعت در مقاله ای کوتاه به زبان و تا حدی ترکیب سازی خاقانی در دیوان اشاره کرده است و در این موضوع که ویژگی قابل توجه شعر خاقانی است، مقاله های دیگر نیز می توانند به رشته تحریر درآیند. عارف کمرپشتی در یک نوشته در نیمه بهمن در مجله حافظ اشاره ای به ترکیبات عامیانه و کنایی در غزل خاقانی کرده است که در حقیقت طرح موضوع شده اما مقاله ای پرداخته نشده است. در سایر موضوع ها به ترتیب یک مقاله ارائه شده است: گفتگو با خاقانی پژوهان، معرفی خاقانی پژوهان، موسیقی شعر (سکته عروضی در غزل های خاقانی)، تمثیل، تعویذ، منشآت، حبسیه (قیاس حبسیه های مسعود سعد و خاقانی)، زن (نگاه خاقانی به زن)، تحفه العراقین، تجدید مطلع در دیوان خاقانی، نقد همایش خاقانی شناسی در ارومیه، معرفی نسخه ختم الغرایب، موضوع های شعر خاقانی، تصحیح ایات.

بنابراین می توان گفت مقاله های این سال در بیست و دو موضوع به رشته تحریر درآمده است که اگر بخواهیم قدری موضوعات را جزئی تر کنیم مثلاً آیین اسلام، آیین ترسایی و ... شمار آن به بیست و هفت موضوع می رسد.

از مقاله‌های ارزنده که در این سال می‌توان به آن اشاره کرد، «زن در آینه شعر فارسی» از اکرم جودی نعمتی است. نویسنده در این مقاله مبسوط، ضمن اشاره به دسته بندی زنانی که در دیوان خاقانی به آنها توجه شده است و نیز مواردی که نشان دهنده نگرش منفی شاعر به زن است، به تحلیل و ریشه‌یابی این منفی‌نگری پرداخته و با نگاهی ژرف و عمیق دلایل رویکرد منفی خاقانی را بیان کرده است. زهرا ریاحی زمین در موضوع اثرپذیری حافظ از خاقانی که در سال‌های گذشته نیز پژوهشگرانی چون سجادی، عبدالحسین فرزاد، معدن کن و ... به آن پرداخته بودند، مقاله «طرز سخن خاقانی و حافظ» را با ساختار و پردازش مناسب ارائه کرده است. حسن‌لی وصف‌ها و تصویر آفرینی‌های خاقانی با سازها و اسباب باده نوشی را در مقاله «رفتارهای خاقانی با ساخته‌های هنری خود» به خوبی نمایانده و خواننده را به نوگرایی و آشنایی زدایی که ویژگی برجسته در کلام شاعر است، رهنمون می‌کند.

احمد غنی‌پور ملک‌شاه در مقاله «خاقانی و ایهام» نکته‌های چشم‌نوازی از ایهام پردازی‌های خاقانی را برابر چشم ذهن خواننده قرار داده است، هر چند در مواردی جناس‌های تام و ایهام یکسان انگاشته شده است. عباس ماهیار در مقاله «تعویذ در شعر خاقانی» چستی تعویذ، انواع و نموده‌های آن را در دیوان خاقانی به خوبی بیان کرده، هر چند کلام وی به نتیجه‌ای نینجامیده است. علی حیدری به خوبی به موضوع تجدید مطلع در قصاید خاقانی در مقاله «مدح‌گریزی فلسفه تجدید مطلع قصاید خاقانی» پرداخته است؛ از مجموع یکصد و سی و دو قصیده خاقانی در چهل قصیده تجدید مطلع رخ داده است، که تحلیل آن دستمایه این مقاله است. مهدی نیک‌منش در غزلی به مطلع: «ما انصف ندمانی لوانکر ادمانی / فالقهوه من شرطی لا التوبه من شانی» که در شمار غزل‌های مولوی آمده است با تحلیل بسنده آن را از سروده‌های خاقانی می‌داند.

چنانکه گذشت برپایی همایش خاقانی‌شناسی در دانشگاه ارومیه و چاپ مجموعه مقاله‌های برگزیده آن همایش، سبب مهم دیگر بسامد بالای مقاله در حوزه خاقانی پژوهی در سال ۱۳۸۴ است. سی و پنج مقاله برگزیده که در مجموعه مقاله‌های همایش به چاپ رسیده است، در ۱۸ موضوع پرداخته شده است. یازده مقاله در موضوع آیین اسلام نگاشته شده که می‌توان به این موارد اشاره کرد: کعبه، ستایش پیامبر (ص)، علی (ع)، عیسی (ع)، کاربرد آیات در دیوان و زهدیات، فقر و اندیشه عرفانی خاقانی. از موضوع‌ها که بسامد بالایی دارد، احوال و

شخصیت خاقانی است که سه مقاله در این زمینه به چاپ رسیده است، مقاله دیدار خاقانی با خضر که بر پایه منظومه تحفه العراقین به نگارش آمده است و وطن پرستی و گرایش ناسیونالیسم خاقانی موضوع دیگر در این بستر است. نویسندگان کوشیده اند تا خاقانی را ایران گرا و وطن پرست معرفی کنند، مقاله «روحیه انقلابی خاقانی» اوج این ادعای نادرست است. سه مقاله در طب، دو مقاله در مسایل هنری شعر خاقانی و دو مقاله نیز به شرح تکه یا نکاتی در ابیات خاقانی پرداخته شده است. موضوعات دیگر که با بسامد یک مقاله ای ارائه شده از این قرار است: آلات موسیقی، مسائل اجتماعی، زبان خاقانی، منطق الطیر، اثرپذیری مجیر بیلقانی از خاقانی، هجو، خاقانی و دیگر شاعران، معراج نامه خاقانی و نظامی، عربی دانی خاقانی، وزن قصاید (موسیقی)، نجوم، سوگ سرودها، کودکانها، شهرها (اصفهان).

کامران شاه مرادیان در مقاله «نقد همایش بین المللی خاقانی شناسی در ارومیه» که در همان سال در مجله حافظ به چاپ رسیده است نقاط قوت و ضعف این همایش را چنین بیان کرده است. «از جمله نقاط قوت همایش مذکور می توان به این موارد اشاره کرد: شناخت بهتر افکار خاقانی، قابل توجه بودن سطح علمی اکثر آثار ارائه شده که می توان به مقاله های عباس ماهیار با عنوان خاقانی ساحر کیمیاگر، سید احمد پارسا در سبک شناسی هجویات خاقانی، مقاله محمدعلی خالدین با عنوان نگاهی به سیر اختران در دیوان خاقانی ...» در بخش دیگر مقاله به کاستی ها و ضعف های همایش پرداخته شده است که می توان به این موارد اشاره کرد: «عدم هم محور قرار دادن سخنرانی ها (ارائه مقاله ها) سبب کاهش جذابیت ارائه ها شده و تعداد زیاد مقاله های برگزیده سبب کاهش کیفیت سخنرانی شده بود و گزینش مقاله هایی با محتوای مشترک و تکراری عامل دیگر خستگی حاضران بوده است.»

با نگاهی گذرا به مقاله های چاپ شده در می یابیم که گاه در یک موضوع چند مقاله به چاپ رسیده که محتوای آنها تکراری است و قابل به گزینی اند. مقاله هایی که نکات ارزنده ای را بیان کرده است از این قرار است: «آفتاب نهان خاقانی» از علی محمدی که تفسیری خواندنی بر بیت معروف:

«صبح وارم که آفتابی در نهان آورده ام آفتابم کز دم عیسی نشان آورده ام»

ارائه کرده است.

احمد غنی پور ملک‌شاه در مقاله «ایهام و گونه‌های آن در قصاید خاقانی» کوشیده است تا ابعاد موضوع را در قصاید تشریح کند، نویسنده این مقاله را در مجله نامه پارسی در بهار همان سال نیز به چاپ رسانده است.

فرشته رستمی در مقاله «چون سرممک گر» توضیحات قابل توجه‌ای درباره بازی‌های کودکان در دیوان خاقانی آورده است. در مقاله عباس ماهیار با عنوان «خاقانی ساحر کیمیاگر» مطالب ارزشمندی در زمینه موسیقی، طب، نجوم و بازتاب قرآن و حدیث در شعر خاقانی آورده است. از دیگر مقاله‌های ارزنده این همایش می‌توان به این موارد اشاره کرد: «رد پای استاد در اشعار مجید بیلقانی» از محمد ابراهیم ایرج پور، «رویکرد هنری خاقانی به طب» از علی اکبر باقری خلیلی، «سبک‌شناسی هجویات خاقانی» از سید احمد پارسا، «شگفتی‌های دارو و درمان در اشعار خاقانی» از فروغ صهبا، «طبع آزمایی خاقانی در شعر عربی» از فضل الله میرقادر.

در سال ۱۳۸۵ بیست و چهار مقاله در هفده موضوع درباره خاقانی به چاپ رسیده است. مضامین گوناگون در آیین اسلام دستمایه هفت مقاله با این عناوین و موضوعات است: کربلا و عاشورا یک مقاله، امام علی (ع) یک مقاله، کعبه و نمود آن در دیوان خاقانی دو مقاله، معراج در دیوان خاقانی و مقایسه آن با اشعار سنایی و نظامی یک مقاله، شهر مدینه یک مقاله، مضامین موسوی یک مقاله. سایر موضوع‌ها و بسامد آنها از این قرار است: معرفی و نقد کتاب دو مقاله، شخصیت و اندیشه خاقانی دو مقاله که در آنها به فخریه (خودستایی) و فلسفه ستیزی شاعر پرداخته شده است. در این موارد نیز یک مقاله به چاپ رسیده است: توصیف در دیوان خاقانی، عامیانه‌ها (جادو و خرافات)، ایوان مداین، تصحیح و شرح بیت، خاقانی و وطواط، گفتگو (با عباس ماهیار)، هجو، مرثیه، اصطلاحات و مفاهیم ریاضی (اعداد)

ارزش کیفی مقاله‌ها، نکته‌ای قابل توجه در این سال است، به این معنی که از تعداد بیست و دو مقاله، هشت مقاله را می‌توان در شمار مقاله‌هایی که موضوع و نکته‌های ارزنده‌ای بیان کرده‌اند، برشمرد و این عدد تقریباً درصد نصف مقاله‌های این سال را به خود اختصاص داده است. باید توجه داشت، تعداد مقاله‌های شایسته درباره خاقانی از ابتدای سال ۱۳۸۰ که از ساختار، شیوه تحقیق و موضوع و نکته‌ها یا نکته قابل توجه برخوردارند، رو به فزونی است.

علی صفری آق قلعه در مقاله «اختلاف ختم الغرایب (تحفه العراقین) دست نویس وین با چاپ یحیی قریب و احتمال تدوین متن در دو تحریر جداگانه توسط خود شاعر» ضمن معرفی نسخه دست نویس وین برای نشان دادن ارزش های نسخه مذکور، به بیان اختلاف و مقایسه نسخه کتابخانه سپهسالار و نسخه وین و تحفه العراقین یحیی قریب پرداخته است. حسن ذوالفقاری در مقاله «پیر تعلیم، پیشینه های قبل و بعد از خاقانی»، بیست و سه شاعر که از قصیده مرآت الصفای خاقانی استقبال کرده اند معرفی کرده و نمونه شعر آنان را آورده است. جلیل نظری در مقاله «توصیف های تکراری و زیبایی آن در شعر خاقان»، به زیبایی وصف در شعر خاقانی پرداخته است و این نکته بیان شده است که آنچه خاقانی را در هنر وصف از دیگران برتر کرده، رویکرد وی به عناصر بیانی و شیوه های تازه ای است که به ویژه در استعاره و تشبیه در کلام خود به کار گرفته است... محمد بهنام فر در مقاله «جادو و خرافات در دیوان خاقانی» ابعاد موضوع را نشان داده است. ایوان مداین خاقانی در اغلب سال های مورد مطالعه، محل توجه اهل ادب بوده است و بیشتر پژوهشگران بر پایه این شعر، خاقانی را وطن پرست، ایران گرا و امثال این عناوین دانسته اند، سید احمد پارسا در مقاله «درنگی بر ایوان مداین خاقانی» ضمن اشاره به پیشینه این موضوع، تحلیلی درخور توجه از نظرگاه شاعر در این چکامه که بر پایه عبرت پذیری است و نه وطن پرستی، ارائه کرده است. باید توجه داشت که در آیه های قرآن کریم نیز عبرت پذیری از گذشتگان و داستان های آنان مورد تاکید است و نه افتخار و ستایش آنها، اثرپذیری خاقانی از قرآن کریم نیز اصلی است که تردیدی در آن نیست. علی رضا حاجیان نژاد در مقاله «دیده آهوی دشت (تصحیح و تحلیل یک بیت از دیوان خاقانی)»، ضمن اشاره به مشکلات تصحیحات موجود از دیوان خاقانی که به سبب عدم اصالت نسخه و بدخوانی مصححان، دشواری فهم شعر شاعر را دو چندان کرده است، به تصحیح و تحلیل بیت زیر پرداخته است:

«بر لعاب گاو کوهی دیده ای آهوی دشت از لعاب زرد مار کم زیان افشانده اند»

سید احمد پارسا در مقاله «سبک شناسی هجویات خاقانی» به شایستگی به ابعاد موضوع در دیوان خاقانی پرداخته است اما این مقاله در مجموعه مقاله های خاقانی شناسی در سال ۱۳۸۴ نیز چاپ شده است. محسن محرابی در مقاله کوتاه «نگاهی به زیبایی شناسی ترنم المصائب

خاقانی»، نکته‌های خوبی درباره تصویرآفرینی در قصیده ترنم المصائب بیان کرده است. اگر مروری بر دیوان خاقانی داشته باشیم، بی‌تردید ستیز آشکار خاقانی با فلاسفه ذهن را درگیر خود می‌کند، سید حامد موسوی و جهانگیر صفری در مقاله «نگاهی به فلسفه ستیزی در فرهنگ و تمدن اسلامی و انعکاس آن در شعر خاقانی» به خوبی به ریشه‌ها و دلایل این ستیز و ابعاد آن در کلام خاقانی پرداخته‌اند.

در سال ۱۳۸۶ سیزده مقاله درباره خاقانی در نشریات ایران به چاپ رسیده است: دو مقاله در معرفی یا نقد و بررسی کتاب درباره ختم الغرایب نسخه وین اتریش به چاپ رسیده است که یکی از علی محمد هنر و دیگری از جلال متینی است. مقاله اخیر رسا و ارزنده است و به نکته های خوبی درباره شیوه نوشتاری کاتبان آورده است. دو مقاله نیز به موضوع تصحیح در دیوان خاقانی مربوط می‌شود. مقاله پارسا به تصحیح دو تصحیف در دو بیت اشاره دارد. نویسنده در این مقاله، ضمن اشاره به دشواری شعر خاقانی به سبب کاربرد دانش‌های گوناگون و مسائل هنری ژرف در آن که در مواردی تحریف و تصحیف اشعار وی را سبب شده با ظرافت و نکته بینی به دو بیت در دیوان خاقانی پرداخته است:

روم ناقوس بوسم زین تحکم روم زنار بندم زین تعدا

و:

آتشین آب از خوی خونین برانم تا به کعب کاسیا سنگ است بر پای زمین اندای من
محسن محمدی فشارکی در مقاله قصیده ترسائیه و نخستین شرح آن، با اشاره و معرفی قدیمی‌ترین شرح قصیده ترسائیه از شیخ آذری طوسی (۸۶۶ ه.ق) به تصحیح متن آن پرداخته است. دیگر موضوعات که بسامد یک مقاله دارند، از این قرار است: ایوان مداین، طب، شرح ابیات، سبک شناسی شعر خاقانی، گفتگو، پیامبر اکرم (ص)، هنر خاقانی (متناقض نمایی) و مسیحیت. حال به دیگر مقاله‌های این سال که نکات ارزنده‌ای در آنها بیان شده است، اشاره می‌شود.

علی اکبر باقری خلیلی در مقاله درباره «سه اصطلاح طبی در قصاید خاقانی»، مطالب شایسته‌ای درباره بیماری‌ها و نکته‌های آن در شعر خاقانی آورده که در ره یابی به معنی دقیق و زیباشناسی ابیات خاقانی رهگشا است. مجید سرمدی در مقاله «رازناکی شعر خاقانی» نکته‌های

دقیقی در شرح ابیاتی از دیوان خاقانی آورده که شارحان از آن گره نگشوده‌اند. اغلاط تایپی در سراسر مقاله برآورنده ژرف نگری نویسنده مقاله نیست. حسین حسین پور آلاشتی و محمدعلی باغبان در مقاله «متناقض نمایی در قصاید خاقانی» به ابعاد و شیوه های کاربرد متناقض نما در قصاید خاقانی پرداخته‌اند. این مقاله در درک هنر خاقانی و رهیابی به ژرف ساخت زیبایی‌های دیوان وی راه گشا است.

در سال ۱۳۸۷ بیست و سه مقاله به چاپ رسیده است، این مقاله ها در پانزده موضوع به نگارش درآمده است. از این منظر تعداد بیشتر مقاله‌های سال ۱۳۸۷ در حوزه ادبیات تطبیقی به چاپ رسیده است. هفت مقاله از بیست و سه مقاله در این بستر رقم خورده است که می‌توان به عناوینی چون خاقانی و ابن رومی، همگونی خاقانی و جان دان در نگرش منفی به زن، خاقانی و حسان ثابت و فخریه‌های خاقانی و متنبی، مقایسه سبک هجویات خاقانی و متنبی در این حوزه جای می‌گیرد. دو مقاله در موضوع آیین اسلام به ترتیب درباره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت به چاپ رسیده است. دو مقاله نیز در سبک شناسی شعر خاقانی به رشته تحریر درآمده است. موضوع‌های دیگر در این سال که یک مقاله در آن به چاپ رسیده است، از این قرار است: هنر (آشنایی زدایی)، طب، اصطلاحات خوشنویسی، باورهای عامیانه، تصحیح بیت، شرح بیت، احوال شاعر، اسطوره شناسی (اسطوره خورشید)، قصیده منطق الطیر، تمایل نوستالژی (غم غربت)، نقد و بررسی کتاب، اعداد، مرثیه، اثر خاقانی بر سبک هندی.

در تحلیل و نقد مقاله‌های این سال، بسامد مقاله‌های خواندنی و شایسته بالا است. در مقاله «آشنایی زدایی از داستان‌های قرآنی در دیوان خاقانی»، کرمی و نیکدار اصل موضوع جالب توجهی که به درک مقوله هنر خاقانی می‌انجامد، ارائه کرده‌اند. آزاد محمودی در مقاله «اصطلاحات خوشنویسی در دیوان خاقانی»، به موضوعی که تا سال مورد مطالعه کسی به آن اشاره نکرده است، پرداخته است و نکته‌های ارزنده‌ای از اصول خطاطی کهن که در درک معنا و هنر خاقانی مؤثر است، بیان کرده است. نجف علی رضایی آبادی در مقاله «تصحیح بیتی از افضل الدین خاقانی شروانی»، نکته‌های ارزنده‌ای درباره دو کلمه مسلخ و عمره در بیت:

در میان سنگلاخ مسلخ و عمره ز شوق خار و حنظل گلشکرهای صفاهان دیده‌اند
آورده است.

عطا محمد رادمنش و زهرا کریم زاده به شایستگی ابهام در موضوع بیت: [چشم خور اشک ران به شفق // راز با قعر چاه می گوید] و اشاره تلمیحی آن را در مقاله «چاه راز» بیان کرده‌اند. محمد رضا راشد محصل و فهیمه حاجی پور در مقاله ارزنده «شعر خاقانی و جلوه اسطوره خورشید در آن»، مطالب قابل توجهی درباره توصیف‌های خاقانی از خورشید و نکته های ظریف باورهای مهری که خاقانی به آن نظر داشته است، آورده‌اند.

تورج زینی‌وند در مقاله تطبیقی «مقارنه بین حسان بن ثابت الانصاری و الخاقانی الشروانی فی مدایح النبوی» به خوبی همانندی‌های دو شاعر را در ستایش از پیامبر اکرم (ص) نشان داده است. در مقاله «مقایسه سبکی هجویات در دو دیوان خاقانی و متنبی» از سید احمد پارسا و فرشاد مرادی، به شیوه‌ای سنجیده، شگردهای همگون و ناهمگون هجوپردازی در دیوان خاقانی و متنبی نمایانده شده است.

محمدحسین کرمی، سید فضل الله میر قادری و فرهنگ در مقاله «همگونی و ناهمگونی فخر به فضایل اخلاقی در دیوان ابی الطیب المتنبی و افضل الدین خاقانی»، به شیوه تطبیقی موضوع فخر در دیوان خاقانی و متنبی را تبیین کرده‌اند.

در سال ۱۳۸۸ بیست و هفت مقاله در نشریات کشور منتشر شده که از این شماره هجده مقاله در مجله‌های علمی پژوهشی به چاپ رسیده است. این تعداد مقاله در پانزده موضوع رقم خورده است که بسامد بالا و حائز اهمیت در مرتبه‌ی نخست در موضوع اثرپذیری از خاقانی نمود یافته است. چهار مقاله در این بستر به تأثیر پذیری کمال الدین خوارزمی، سیف اسفرننگی، فضولی بغدادی و ملا محمود بیخود از خاقانی اختصاص یافته است. در حوزه ادب تطبیقی سه مقاله تدوین شده است که به مقایسه مرثیه خاقانی و تهامی و حبسیه‌های خاقانی و ابوفراس و مقایسه شعر خاقانی و بحتری در ستایش ایوان مداین پرداخته شده است. سه مقاله نیز در شرح ابیاتی از دیوان خاقانی به چاپ رسیده که هر سه دربردارنده نکات ارزنده است. قصیده ترسائی و اصطلاحات دشوار آیین عیسوی در این قصیده، مبنای دو مقاله بوده است که نکته تازه‌ای بر گفته‌های پژوهشگران پیشین نیفزوده است. در مقوله نقد و بررسی کتاب، مجید سرمدی کتاب ختم الغرایب خاقانی به تصحیح و تعلیقات یوسف عالی عباس آباد را به بوته نقد کشانده است. همین کتاب را مهدی طباطبایی در مقاله‌ای دیگر نقد کرده است و بر پایه این دو مقاله

می‌توان گفت، یوسف عالی عباس‌آباد تصحیح و تعلیق دقیقی بر مثنوی ختم‌الغرایب رقم‌نزده است.

دو مقاله نیز در حوزه صور فلکی به رشته تحریر درآمده است که در یک مورد تصویرآفرینی‌های زیبای خاقانی با صور فلکی دستمایه مقاله‌ی ارجمند شده است و در مقاله دیگر ماه و خورشید در شعر خاقانی با بیانی توصیفی به رشته تحریر درآمده است. در دو مقاله نیز به بررسی اساطیر در دیوان خاقانی و تحفه‌العراقین پرداخته شده است. سایر موضوع‌های این سال که یک مقاله در آن زمینه به چاپ رسیده است، از این قرار است: عدد، پیامبر اکرم، کارکردهای زیباشناسی جمله‌های پرسشی و امری، زندگی خاقانی، مثنوی ختم‌الغرایب، دشواری شعر خاقانی، گفتگو، زبان خاقانی، موسیقی شعر (ردیف)

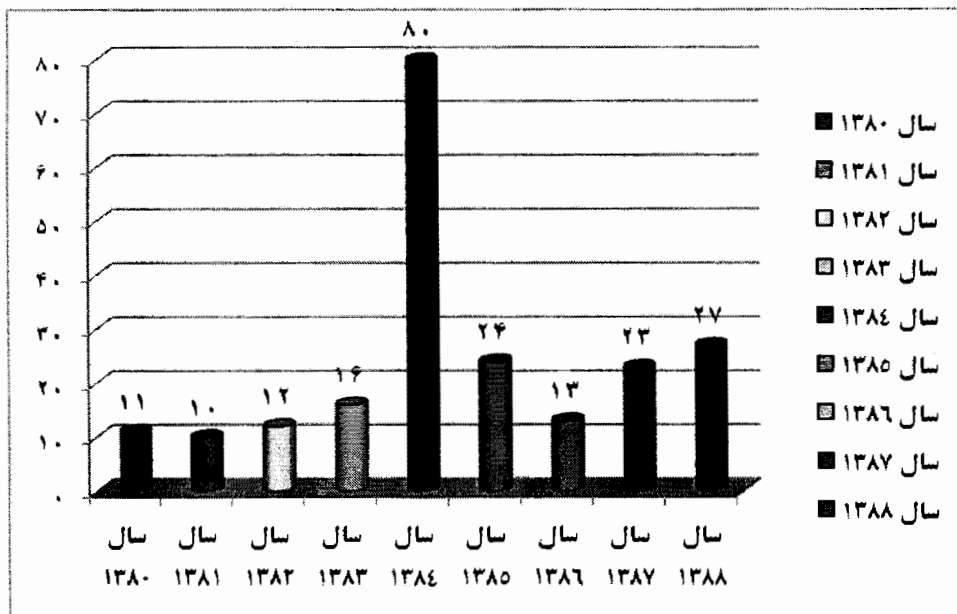
اغلب مقاله‌ها در سال ۱۳۸۸ ارزشمندند. اسماعیل شفق و علی رضا نیازی وحدت در مقاله «اهمیت عدد سه با نگاهی به دیوان خاقانی»، پیشینه مبسوطی از عدد سه آورده که شایسته توجه است اما این مقدمه مفصل ارتباطی با شواهدی که در بخش دوم مقاله آورده‌اند، نمی‌یابد و مقاله بدون تحلیلی قابل توجه به پایان رسیده است. محمد بهنام فر و محمدعلی محمدی در مقاله «بازتاب علم نجوم در شگردهای تصویرگری خاقانی»، با توجه به بسامد والای نجوم و اصطلاحات نجومی در دیوان خاقانی و اهمیت آن در هنر تصویرآفرینی شاعر، نکات ارزنده‌ای بیان کرده‌اند. مقاله «بررسی نقش‌های معنایی جملات پرسشی و امری در قصاید خاقانی» از چنور کاردانی و تیمور مالمیر در درک ابعاد هنری و زیباشناسی قصاید خاقانی اهمیت دارد و خواننده به دیدگاهی تازه از جهت یا جهات معنای کلام شاعر می‌رسد.

رجب توحیدیان و بهمن هوشیاری به شایستگی تأثیرپذیری کمال‌الدین حسینی شاعر قرن نهم ه.ق را از خاقانی نشان داده‌اند. در سال‌های مورد مطالعه در مقاله‌هایی که درباره مثنوی ختم‌الغرایب به چاپ رسیده است، تردیدی در انتساب مثنوی ختم‌الغرایب به خاقانی وجود نداشته است، اما نصرالله امامی و علی اصغر بشیری در مقاله خواندنی «ختم‌الغرایب خاقانی و مثنوی سرگردان»، با دلایل سبکی و زبانی تردید جدی در انتساب آن منظومه به خاقانی وارد کرده‌اند و به همین سبب آن را مثنوی سرگردان نامیده‌اند.

محمدعلی محمودی در مقاله «ردپای گاو آیین‌ها و باورهای کهن در شعر خاقانی»، مطالب جامع و ارزشمندی درباره گاو آیین‌ها در دیوان خاقانی به ویژه در بخش نخست مقاله، آنجا که به آفرینش گاو در آیین زرتشت و قربانی شدن و جزئیات آن در آیین مهر پرداخته است، ذکر کرده است.

علی اصغر باباصفیری و گلپر نصر به خوبی ابعاد تأثیر پذیری سیف اسفرنکی از دیوان خاقانی را نشان داده‌اند. در مقاله «هنجار گریزی‌های خاقانی در ردیف» از سید احمد پارسا، نکته تازه‌ای در کاربرد ردیف در شعر خاقانی تبیین شده و نویسنده به شایستگی، هنجار گریزی شاعر در ردیف و نقض وحدت معنایی ردیف را که ادبای گذشته بر آن بوده‌اند، نشان داده است. با توجه به پیروی بسیاری از شاعران از عروض سنتی و پایندی به چارچوب‌های آن، می‌توان این گونه اجتهادهای ادبی خاقانی و گریز از قواعد محتوم عروض را نوعی نوآوری در شعر سده ششم هجری دانست. محمدرضا ترکی، مهدی فیروزیان به ترتیب در مقاله‌های «دریافت‌هایی از دیوان خاقانی» و «سندس خضر» به نکته‌های شایسته‌ای در شرح ابیاتی از دیوان خاقانی اشاره کرده‌اند. تکتی‌یابی علی محمدی و مریم ترکاشوند در مقاله «رومی نقاب کعبه (شرح و بسط بیت‌ی از خاقانی) جالب توجه است.

نمودار تعداد مقاله چاپ شده در سال (۱۳۸۸-۱۳۸۰ ه.ش) تعداد کل مقاله: ۲۱۶



جدول بسامد موضوعی در دهه هشتم (۱۳۸۸ - ۱۳۸۰.ش)

موضوع	فراوانی	درصد
شناخت ادیان و عرفان	۴۵	٪۱۸/۶
زیبا شناسی	۱۸	٪۷/۴
گونه های ادبی	۱۶	٪۶/۶
نقد و بررسی کتاب	۱۵	٪۶/۳
شرح بیت یا ابیات	۱۴	٪۵/۸
زندگی و احوال خاقانی	۱۰	٪۴/۱
تاثیر پذیری شاعران از خاقانی	۱۰	٪۴/۱
ادب تطبیقی	۱۰	٪۴/۱
خاقانی و دیگران شاعران پارسی گو	۸	٪۳/۳
موسیقی شعر	۷	٪۲/۹
بررسی نسخه یا نسخ خطی	۷	٪۲/۹
تصحیح بیت یا بیت	۶	٪۲/۵
سبک شناسی	۶	٪۲/۵
نجوم	۶	٪۲/۵
بررسی و معرفی کتاب	۵	٪۲/۱
طب	۵	٪۲/۱
باورهای عامیانه	۵	٪۲/۱
ایران گرایی (ایوان مداین)	۵	٪۲/۱
زبان و ترکیب سازی	۴	٪۱/۷
گفتگو	۴	٪۱/۷
اثر پذیری خاقانی از شاعران دیگر	۴	٪۱/۷
اسطوره	۴	٪۱/۷
آلات موسیقی	۳	٪۱/۲
زن	۳	٪۱/۲

اعداد	۳	٪۱/۲
خاقانی پژوهان	۲	٪۰/۸
منشآت	۲	٪۰/۸
قصیده منطق الطیر	۲	٪۰/۸
خاقانی و اصفهان	۱	٪۰/۴
نقد همایش	۱	٪۰/۴
موضوع های شعر خاقانی	۱	٪۰/۴
تجدید مطلع	۱	٪۰/۴
تحفه العراقین (ضرورت تصحیح)	۱	٪۰/۴
تمثیل	۱	٪۰/۴
بازیهای کودکانه	۱	٪۰/۴
فلسفه ستیزی	۱	٪۰/۴
اصطلاحات خوشنویسی	۱	٪۰/۴
غم غربت (نوستالژی)	۱	٪۰/۴
مسایل اجتماعی	۱	٪۰/۴
غزل	۱	٪۰/۴
صبح	۱	٪۰/۴
جمع کل	۲۴۲	۱۰۰

مقاله‌ها در این زمان در چهل و دو موضوع پرداخته شده‌اند اگر عنوان‌هایی کلی مثل شناخت ادیان، گونه‌های ادبی، ادبیات تطبیقی و خاقانی و دیگر شاعران پارسی‌گو و تأثیرپذیری خاقانی از شاعران دیگر را به صورت موضوع‌هایی مستقل لحاظ کنیم، عدد موضوع‌ها به حدود هشتاد مورد افزایش می‌یابد.

بیشترین تعداد مقاله‌ها در موضوع شناخت ادیان به چاپ رسیده است و بیشترین مورد مقاله‌ها در این بستر، در موضوع آیین اسلام است. به طور کلی از چهل و پنج مقاله در شناخت ادیان، بیست و نه مقاله در نه موضوع فرعی یا جزئی‌تر در دین اسلام چاپ شده است که از

این شمار هفت مقاله درباره پیامبر اکرم، پنج مقاله درباره بازتاب آیات قرآن در دیوان خاقانی، سه مقاله درباره حج و دو مقاله درباره سیمای امام علی (ع) در دیوان خاقانی است. در موضوع های کربلا، پیامبران، شهر مدینه، اهل بیت و دجال و مضامین موسوی نیز یک مقاله به چاپ رسیده است. بنابراین توجه نویسندگان مقاله ها در حوزه آیین اسلام بیشتر به پیامبر اکرم، آیات قرآن و حج معطوف بوده است. باید گفت مسائل دینی به ویژه موضوع های آیین اسلام در دیوان خاقانی نمود و بسامدی قابل توجهی دارد. قصاید متعدد در ستایش پیامبر (ص)، توحید و موعظه، حج و کعبه توجه هر خواننده ای را به خود فرا می خواند و با عنایت به آن که خاقانی در جغرافیایی زندگی می کرده است که با سرزمین های مجاور آن همواره در ستیز دینی به سر می برده است و نواحی اراک، گنجه و ... محلی بوده که در قرن ششم غازیان و جهادگران اسلامی همواره به آن روی می آورده اند تا با پیروان ادیان دیگر در نواحی مجاور به نبرد بپردازند از سوی دیگر ادیان مسیحیت و یهود و اسلام و پیروان آنها در این حوزه جغرافیایی همواره در کنار هم زندگی می کرده اند و به طور کلی در قرن ششم، ارزش غالب زمانه دین و دینداری بوده است. بنابراین خاقانی تحت تأثیر مسائل زمانی و جغرافیایی و خانواده گرایی چشمگیر و تعصب آمیز به دین اسلام داشته است. مطالعه و آگاهی وی نیز نقش مهمی در بازتاب مضامین دینی در شعر وی داشته است. آگاهی قابل توجه وی از آیین عیسوی و اثر جغرافیایی محل زندگی وی تأثیر مستقیم در این موضوع نیز داشته است. بنابراین نمود قابل توجه و هنرمندانه مضامین دینی نقش اساسی در تحت تأثیر قرار دادن خواننده و پژوهشگر امروزی در پرداختن به موضوع آیین اسلام یا سایر ادیان داشته است. در مقوله شناخت ادیان هفت مقاله در آیین مسیحیت به چاپ رسیده است که در سه مورد آن به قصیده ترسانیه پرداخته شده است. هفت مقاله نیز درباره عرفان و تصوف در آثار خاقانی به رشته تحریر درآمده است. عرفان یا عرفان نظری و نموده های آن در قالب الفاظ و اصطلاحات این مکتب از نخستین قصیده دیوان خاقانی قابل مشاهده است. در قصیده ی شبنه خاقانی الفاظ و اصطلاحات و به طور کلی حال و هوای عرفانی ملموس است، بنابراین ذهن گروهی از پژوهشگران معاصر معطوف به موضوع شده و در پی تبیین چند و چون آن بوده اند. از سوی دیگر اشعار مدحی و یا مواردی که در تضاد و تناقض با اندیشه های صوفیانه یا عارفانه است، عارف یا صوفی بودن خاقانی را

در ذهن کسانی دیگر متزلزل کرده است، به همین سبب در موارد اندکی پژوهشگران با دیده تردید به عارف یا صوفی بودن خاقانی نگریسته‌اند. کمترین شمار مقاله در موضوع شناخت ادیان به آیین زرتشت و اوستا با بسامد یک مورد اختصاص دارد.

موضوع دیگری که ذهن پژوهشگران را به چالش کشانده است، مسائل هنری و زیباشناسی در دیوان خاقانی است. هجده مقاله در این زمینه چاپ شده است، مسائلی چون توصیف و ابعاد آن، ایهام، متناقض نمایی، آشنایی‌زدایی، تصویر آفرینی و ... در مقاله‌های این دوره نمود یافته است. امروزه خاقانی پژوهان دریافته‌اند که عامل بسیار مهم دیر فهمی شعر خاقانی در حقیقت مسائل زیباشناسی و هنر آفرینی‌های خاقانی است و نوآوری‌های وی در این بسترها ذهن هر دقیق نظری را به خود فرا می‌خواند.

با کمی تسامح سه عنوان «نقد و بررسی کتاب» و «بررسی و معرفی نسخه یا نسخ مربوط به خاقانی» و «بررسی و معرفی کتاب» را اگر در یک مجموعه نقد و بررسی کتب و نسخه‌های خطی قرار دهیم، تعداد قابل توجهی مقاله در این موضوع به چاپ رسیده است، از تعداد بیست و هفت مقاله این موضوع، موارد معدودی ارزش علمی و پژوهشی دارد و بیشتر در مجله‌هایی که درجه علمی ندارند، به چاپ رسیده‌اند. اگر در این حوزه نگاهی به دهه‌های پیش بیندازیم، در می‌یابیم تمایل به تألیف کتاب در حوزه خاقانی پژوهی افزایش یافته است. از این نکته نباید غافل بود که گزیده نویسی از دیوان خاقانی که در دوره کارشناسی رشته ادبیات فارسی کاربرد دارد، عامل مهم این افزایش آمار کتاب بوده است.

دشواری و دیریابی شعر خاقانی موضوع دیگر پژوهش پژوهشگران در این دوره بوده است. در زمینه شرح و تصحیح بیت یا ابیات به ترتیب چهارده و شش مقاله و به طور کلی بیست مقاله چاپ شده است. مقاله‌ها در این حوزه معمولاً با توجه به نکته یا نکاتی در بیت یا ابیاتی بنا شده است، به همین سبب خواننده با مقاله‌های ارزنده‌ای روبرو می‌شود.

گونه‌های ادبی در دیوان خاقانی، در این دهه محل بحث و پژوهش نویسندگان بوده است. شانزده مقاله در این زمینه به چاپ رسیده است که آمار جزئی آن از این قرار است: فخریه (۵ مقاله)، حبسیه (۴ مقاله)، مرثیه (۳ مقاله)، هجویه (۳ مقاله) و خمریه (۱ مقاله) باید توجه داشت گاهی در مقاله یا مقاله‌هایی دو یا سه موضوع محور بوده است و گونه ادبی به شکل متمرکز در

دیوان خاقانی محل پژوهش نبوده اما در دسته بندی موضوعی ذیل عنوان فوق جای گرفته است.

زندگی و احوال خاقانی در این روزگار نیز از کانون توجه پژوهشگران خارج نبوده است، گاهی در مقاله هایی کامل به احوال و آراء خاقانی توجه شده و گاهی بخشی از مقاله ای به این موضوع اختصاص یافته است. ده مقاله در این زمینه در این دهه به چاپ رسیده است.

در این دهه، پژوهشگران برای نخستین بار به شکل گسترده ای به اثر گذاری خاقانی بر دیگر شاعران توجه کرده اند. از مجموع ده مقاله که در این موضوع به چاپ رسیده است، سه مقاله به تأثیر پذیری حافظ از خاقانی اختصاص دارد. در دهه های گذشته نیز همواره اثرپذیری حافظ از خاقانی موضوع مقاله های پژوهشگران بوده است. هفت مقاله دیگر به ترتیب بسامد یک مورد از این قرار است: تأثیر پذیری مجیریلقانی از خاقانی، استقبال و تقلید از قصیده شینه خاقانی، تأثیر خاقانی بر سبک هندی، تأثیرپذیری کمال الدین خوارزمی از خاقانی، تأثیر پذیری سیف اسفرنکی از خاقانی، تأثیرپذیری فضولی بغدادی از خاقانی و تأثیرپذیری ملا محمود بیخود، شاعر کرد، از خاقانی.

موضوع جالب توجه دیگر در این دهه، مطالعه تطبیقی خاقانی با دیگر شاعران است. باید توجه داشت که در این دهه اقبال به این بستر افزایش یافته و از منظرهای متفاوتی خاقانی و شاعران زبان های دیگر به ویژه عربی مقایسه شده اند و همگونی یا ناهمگونی و یا تأثیرپذیری خاقانی از شاعری غیر ایرانی محل پژوهش شده است، از ده مقاله ای که در این زمینه به چاپ رسیده است، در سه مقاله به مقایسه خاقانی و متنی پرداخته شده است، شباهت های روحی و شخصیتی و در نتیجه همانندی کلامی و هنری دو شاعر سبب توجه نویسندگان معاصر به همگونی های دو شاعر در حوزه هنری و شخصیتی شده است. دو مقاله نیز به مقایسه خاقانی و حسان ثابت اختصاص دارد. در دیوان خاقانی ابیات فراوانی در ستایش پیامبر اکرم دیده می شود و تعصب وی در مسائل دینی نیز موضوعی آشکار است. خاقانی معمولاً خود را با حسان ثابت انصاری شاعر پیامبر اکرم مقایسه می کند و از این نظر خود را حسان عجم نامیده است و خود را در قیاس با حسان ثابت از شایستگی بیشتری در ستایش پیامبر (ص) برخوردار می داند. هفت مقاله دیگر با بسامد یک مورد از این قرار به چاپ رسیده است: خاقانی و ابن

رومی ، خاقانی و تهامی (مقایسه مرثیه‌ها) ، خاقانی و ابوالفوارس (مقایسه حسیه‌ها) ، خاقانی و جان دان شاعر انگلیسی (شباهت در زن ستیزی) ، خاقانی و بحتری (مقایسه قصیده ایوان مداین خاقانی و بحتری)

در این دهه در کنار تأثیرگذاری خاقانی بر دیگر شاعران به موضوع اثرپذیری خاقانی از دیگران نیز توجه شده است. هشت مقاله در این زمینه به چاپ رسیده که ارتباط یا همگونی خاقانی و نظامی گنجوی در دو مقاله مستقل و شباهت معراج نامه‌های آن دو ، در کنار سنایی غزنوی ، موضوع مقاله‌ای دیگر شده است. مقاله‌های دیگر در این موضوع که یک مقاله در آن به چاپ رسیده عبارتست از: خاقانی و دیگر شاعران ، عطار و خاقانی ، مسعود سعد و خاقانی ، خاقانی و سنایی غزنوی ، مقایسه قصیده منطق الطیر دو شاعر ، سنایی ، خاقانی و نظامی (همگونی معراج نامه ها) ، خاقانی و رشیدالدین وطواط .

در قیاس با بسامد مقاله‌های ادب تطبیقی یا تأثیرگذاری خاقانی بر دیگر شاعران ، در موضوع اثرپذیری وی از دیگران مقاله‌های کمتری به چاپ رسیده است. کوشش خاقانی در نوآوری و تازه‌گویی و ناهمگون شدن با دیگران سبب مهم این امر است. چهار مقاله در این زمینه به چاپ رسیده است که در سه مقاله تأثیر شاهنامه و فردوسی بر کلام خاقانی بررسی شده است و در یک مقاله کلی ، اثر زبان عربی بر شعر خاقانی تبیین شده است.

هفت مقاله در موضوع موسیقی شعر خاقانی در این روزگار به چاپ رسیده است. وزن های باشکوه قصاید ، گزینش واژه‌های مطمئن و به قول خاقانی طمطراق الفاظ ، ردیف‌های دشوار ، وزن های ضربی و تند و ... سبب می‌شود ، خواننده پژوهشگر ، بی‌تفاوت از کنار آنها در دیوان خاقانی نگذرد و به چند و چون موضوع روی بیاورد. غالب مقاله ها در این حوزه به خوبی پرداخته شده است.

از شش (۶) مقاله‌ای که در زمینه سبک شناسی به چاپ شده است ، مقاله‌ای که مستقلاً به ابعاد سبک شناسی شعر خاقانی پرداخته باشد ، دیده نشده است و مطالعه سبکی بخشی از اشعار و معمولاً در قیاس با شاعران دیگر محل بررسی بوده است. طب کهن و اصطلاحات یا باورهای طبی در این دهه در پنج مقاله واکاوی شده است.

شش مقاله در موضوع نجوم و اصطلاحات آن به چاپ رسیده است و مقاله‌های بیشتری نیز می‌تواند در این زمینه به رشته تحریر درآید، زیرا از سویی بسامد این موضوع در دیوان خاقانی چشمگیر است و از سوی دیگر، مقاله‌های ارزنده کافی در این حوزه به چاپ نرسیده است. از این تعداد، در دو مقاله به مسائل نجومی مختلف، سه مقاله به خورشید و دریک مقاله به خورشید و ماه پرداخته شده است.

موضوع‌های دیگر در این دهه که دو یا پنج مقاله درباره‌ی آنها دیده شده است از این قرار است: باورهای عامیانه پنج مقاله، که در هر عنوان یک مقاله نمود یافته است: جادو و خرافات، باورهای عامیانه، علوم غریبه، تعویذ، چشم زخم.

زبان و ترکیب‌سازی خاقانی، موضوعی بسیار با اهمیت است که در چهارمقاله به آن توجه یا اشاره شده است، انجام پژوهش‌های دیگر در این موضوع ضروری است و خلاء آن کاملاً محسوس است. تفصیل موضوعات دیگر در جدوی فراوانی موضوعات در این دهه نشان داده شده است و به همین سبب از ذکر جزئیات دیگر پرهیز می‌شود.

بحث و نتیجه

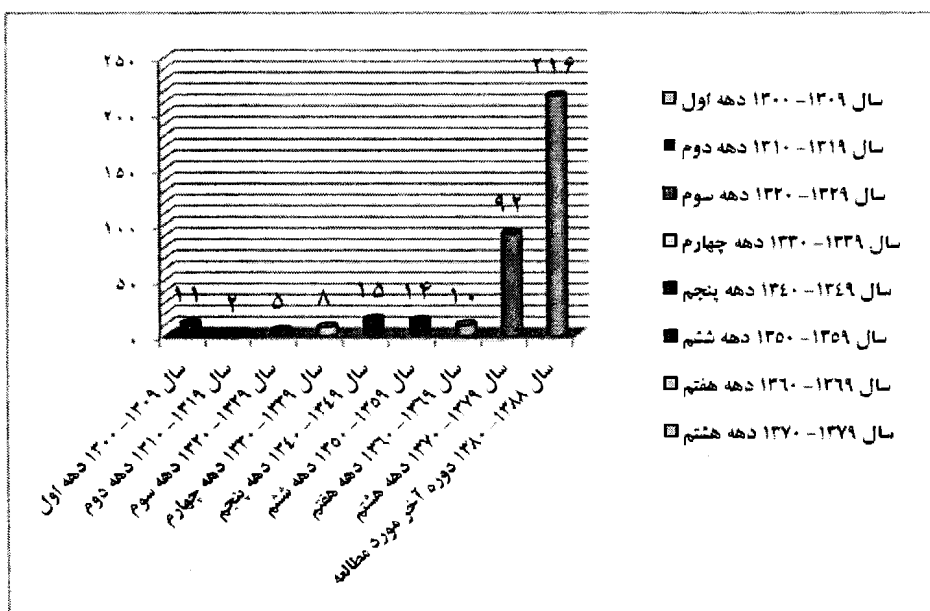
جدول توزیع فراوانی موضوعات در سال‌های مورد مطالعه (۱۳۸۸ - ۱۳۰۰ ه. ش.)

موضوع	فراوانی	درصد
شناخت ادیان و عرفان	۶۰	۱۴/۶٪
زندگی خاقانی	۴۱	۱۰٪
زیبا شناسی	۲۶	۶/۳٪
شرح بیت یا ابیات	۲۵	۶/۱٪
بررسی و نقد کتاب	۲۴	۵/۸٪
تاثیرپذیری از خاقانی	۲۱	۵/۱٪
گونه‌های ادبی	۲۰	۴/۸٪
ایران گرایی (ایوان مداین)	۱۵	۴/۴٪
معرفی نسخه خطی	۱۵	۴/۴٪

معرفی و بررسی کتاب	۱۴	٪ ۳/۴
ادب تطبیقی	۱۳	٪ ۳/۱
تصحیح بیت یا ابیات	۹	٪ ۲/۲
نجوم	۹	٪ ۲/۲
موسیقی شعر	۹	٪ ۲/۲
سبک شناسی	۷	٪ ۱/۷
نامه ها و منشآت خاقانی	۷	٪ ۱/۷
بزشکی	۷	٪ ۱/۷
خاقانی و دیگر شاعران	۷	٪ ۱/۷
تاثیرپذیری خاقانی از دیگران	۷	٪ ۱/۷
آلات موسیقی	۶	٪ ۱/۴
اعداد	۶	٪ ۱/۴
زبان و ترکیب سازی	۵	٪ ۱/۲
زن	۵	٪ ۱/۲
باورهای عامیانه	۵	٪ ۱/۲
گفتگو	۴	٪ ۱/۹
اسطوره شناسی	۴	٪ ۱/۹
قصیده منطق الطیر	۳	٪ ۱/۷
مثنوی تحفه المراقین	۳	٪ ۱/۷
غزل خاقانی	۳	٪ ۱/۷
حکمت و مثل	۳	٪ ۱/۷
خاقانی پژوهان	۳	٪ ۱/۷
کودکانه ها	۲	٪ ۱/۵
سپاهان (اصفهان)	۲	٪ ۱/۵
خمیره	۲	٪ ۱/۵
جهان بینی	۲	٪ ۱/۵
تجدید مطلع	۲	٪ ۱/۵
اشتیاق به خراسان	۲	٪ ۱/۵
گیلان	۱	٪ ۱/۲

صیح	۱	٪/۲
نقد اخلاقی شعر خاقانی	۱	٪/۲
نقد همایش	۱	٪/۲
موضوع های شعر خاقانی	۱	٪/۲
تمثیل	۱	٪/۲
فلسفه ستیزی	۱	٪/۲
اصطلاحات خوشنویسی	۱	٪/۲
مسائل اجتماعی	۱	٪/۲
چامه رخسار صبح	۱	٪/۲
نامگذاری اشعار	۱	٪/۲
جمع کل	۴۰۹	٪۱۰۰

نمودار تعداد مقاله های چاپ شده در دهه های مورد مطالعه (۱۳۸۸-۱۳۰۰ ه.ش) تعداد کل مقاله: ۳۷۳



جدول توزیع فراوانی مقالات در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۰۰ ه. ش

مقالات دهه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱۳۰۰-۱۳۰۹	۱۱	٪۳	٪۳
۱۳۱۰-۱۳۱۹	۲	٪۵	٪۳/۵
۱۳۲۰-۱۳۲۹	۵	٪۱/۳	٪۴/۸
۱۳۳۰-۱۳۳۹	۸	٪۲/۱	٪۶/۹
۱۳۴۰-۱۳۴۹	۱۵	٪۴	٪۱۰/۹
۱۳۵۰-۱۳۵۹	۱۴	٪۳/۷	٪۱۴/۶
۱۳۶۰-۱۳۶۹	۱۰	٪۲/۷	٪۱۷/۳
۱۳۷۰-۱۳۷۹	۹۲	٪۲۴/۷	٪۴۲
۱۳۸۰-۱۳۸۸	۲۱۶	٪۵۸	٪۱۰۰
جمع کل	۳۷۳	٪۱۰۰	

با نگاهی به نمودار تعداد مقاله‌ها و جدول توزیع فراوانی آنها در سال‌های (۱۳۸۸-۱۳۰۰ ه. ش) در می‌یابیم، روند خاقانی پژوهی در ایران برپایه داده‌های مطالعه شده در دهه‌های نخست روندی کند داشته است. چنانکه از ابتدای سال ۱۳۰۰ تا پایان سال ۱۳۵۹ ه. ش (پایان دهه ی ششم) فقط پنجاه و پنج مقاله (٪۱۴/۷) درباره خاقانی در نشریات ایران به چاپ رسیده است که در قیاس با دوره‌های بعد (از ابتدای سال ۱۳۶۰ ه. ش تا پایان ۱۳۸۸ ه. ش، ۳۱۸ مقاله و ٪۸۵/۲ و تعداد کل مقاله‌ها: ۳۷۳ مقاله) بسیار ناچیز است. اغلب مقاله‌های دهه‌های مورد اشاره نیز درباره زندگی و احوال خاقانی است که اوج و بهترین کارهای انجام شده را غفار کندلی هریسچی در سلسله مقاله‌هایی که معمولاً در مجله دانشگاه تبریز به چاپ رسیده، انجام داده است. این موضوع خود نشانگر ناآشنایی با خاقانی و کوشش برای شناخت او و آثارش است. باید گفت مطالعه و نگاه عمیق به موضوع یا موضوع‌هایی خاص در آثار خاقانی نسبت به روزگاران بعد کمتر و ناچیز است. بی‌تردید دیر یابی کلام خاقانی و به چاپ رسیدن کتاب علی دشتی با نام «**خاقانی شاعری دیر آشنا**» و اثر روانی این نام بر ذهن خوانندگان و ادب

دوستان در این کم توجهی، موثر بوده است. به این نکته نیز باید توجه داشت که مطالعات نو و دانشگاهی در ایران در دهه‌های مذکور آغاز شده است و این عامل یعنی نوپایی مطالعات دانشگاهی در قیاس با شیوه‌های سنتی مطالعه و پژوهش که صدها سال ادامه داشته است و البته نتیجه خاص یا تازه نداشته و مطلبی درست یا نادرست در تذکره‌ها تکرار می‌شده است، قابل تامل است و گذر زمان شرط اساسی شکل‌گیری مطالعات جدی به روش نو و پروردگی آن است. از سوی دیگر در دهه‌های مورد اشاره تب مقاله نویسی نیز چندان رایج نبوده است و معمولاً به کتاب و کتاب نویسی تمایل بیشتری بوده است و به عبارت رساتر هویت علمی نویسندگان و اساتید را کتاب نشان می‌داده است و کوشش نویسنده پژوهشگر در کتاب بیشتر خودنمایی می‌کرده است، به همین سبب وقتی مقاله‌هایی از ضیاءالدین سجادی چون «نامگذاری اشعار» یا «بازی با حروف در دیوان خاقانی» را که به اختصار نوشته شده‌اند، می‌بینیم، در قیاس با تصحیح دیوان خاقانی و یا کتاب مبسوط فرهنگ لغات و تعییرات و مشکلات دیوان خاقانی، ناچیز به نظر می‌رسد.

از سال ۱۳۶۰ ه...ش به بعد توجه به خاقانی در نشریه‌ها اندک اندک پررنگ‌تر می‌شود و اوج می‌گیرد. چنان که در دهه‌ی هفتم ده مقاله به چاپ رسیده است، جنگ تحمیلی تحریم‌ها که بر صنعت چاپ اثر منفی داشته است و انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها در سال‌های نخست انقلاب می‌تواند در کمی مقاله‌ها در دهه‌ی هفتم موثر باشد. اما در دهه هشتم (۱۳۷۰-۱۳۷۹ ه.ش) مجموع نود و دو مقاله و در دوره آخر مطالعه (۱۳۸۰ تا پایان ۱۳۸۸ ه.ش) خاقانی شناسی ناگهان جهش می‌یابد و در این دوره هشت ساله، دویست و شانزده مقاله که اغلب دقیق و مفصل‌اند به رشته تحریر درآمده است. این اوج مرهون عواملی است: نخست گسترش دانشگاه‌ها در ایران و تمرکززدایی آن از چند کلان‌شهر که بستر برای ورود کسان بیشتری به فضاهای علمی کشور فراهم آمده است، دوم روند رو به رشد تحصیلات دوره‌های تکمیلی چون کارشناسی ارشد و دوره دکتری و ارزش یافتن نگاشتن مقاله به عنوان معیاری دال بر توانایی علمی اهمیت بسیار دارد. نکته قابل توجه دیگر آن است که پیش از دهه‌های اخیر، ادبای دانشگاهی وقتی مطلبی قابل توجه درباره شعر یا شاعری داشتند آن را در نشریه‌ای که ارزیابی خاصی بر آن نبود به چاپ می‌رساندند و این کار بیشتر نمود ذوق و علاقه نویسنده به

نوشتن مقاله ادبی بوده است، در حالی که در دو دهه اخیر نوشتن مقاله در مجامع علمی و دانشگاهی نوعی ارزش و امتیاز خاص بوده و بر حرفه فرد تأثیر جدی داشته است، به عبارت دیگر روند استخدام فرد در دانشگاه‌ها، ارتقای ایشان و طی مدارج از استادیاری به دانشیاری و استاد تمامی ارتباط مؤثری با مقاله نویسی یافته است. از این روی مقاله‌ها و مجله‌ها به چند دسته تقسیم شده‌اند و تمایل گروه‌های درسی رشته زبان و ادبیات فارسی به دایر کردن مجله‌هایی که از سوی تشکیلات رسمی و قانونی علمی کشور یا وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به تأیید برسد، رشد یافته و رو به ازدیاد است. تقسیم‌بندی مجله‌های دانشگاهی به علمی پژوهشی، علمی ترویجی و علمی مروری از این جهت است. این فرآیند به طور کلی تأثیر مثبتی بر خاقانی پژوهی در ایران داشته است، زیرا با یک نگاه ساده می‌توان دید و دریافت که شاعری که در یک دهه مثلاً در دهه چهارم (۱۳۳۰ - ۱۳۳۹ ه.ش) صرفاً هشت مقاله درباره‌اش منتشر شده بود و اما از سال ۱۳۸۰ ه.ش تا پایان ۱۳۸۸ که نقطه پایان این پژوهش است، دویست و شانزده مقاله درباره شعر، هنر و مسائل گوناگون ذهن و زبان و زندگی وی به نگارش درآمده است، که خود انقلاب یا جهشی در راه شناخت آن شاعر «دیر آشنا» است.

این زاویه دید مثبت تحول مجله‌ها در دانشگاه‌ها و تغییر رویکردهای تفنی و ذوقی به رویکردهای پژوهشی و معیارمندی تدریجی این مقاله‌ها سبب نیرو یافتن «تحلیل» و نگارش مقاله‌ها بر مبنای خاص و تحلیلی شده است، در دهه‌های نخست خوانندگان به راحتی فقدان تحلیل یا تحلیل بر پایه‌هایی خاص را دریافته و ذهن نویسنده اغلب در یک مقاله به موضوعات مختلف توجه کرده است اما در بیست سال اخیر مقاله‌ها با تمرکز بر یک موضوع خاص و سازماندهی شده پیش رفته تا به نتیجه انجامیده است.

در کنار این روند فرارونده و فرابرنده که ویژگی‌های مثبت آن به اختصار گذشت. اگر بخواهیم نگاهی آسیب شناسانه هم داشته باشیم باید گفت رویکرد مبتنی بر سود به مقاله‌ها و تبدیل مقاله نویسی به ابزاری برای استخدام و مسایلی از این دست، هر چند کوشش و دقت پژوهشگران را برانگیخته و مقاله‌های ارزشمندی را نیز سبب شده است اما در یک نگاه کیفی، چاپ مقاله‌های سست را نیز گاهی در پی داشته است که نتیجه آن به چاپ رسیدن مقاله‌هایی است که گاهی در حد معیار «علمی و پژوهشی» نیست. شاید اگر در معیارهای جذب اساتید

بازنگری نشود و افرادی که در حقیقت توانایی لازم ذهنی و علمی را داشته باشند به استخدام درآمده و در دانشگاه‌ها به کار گرفته شوند، این آفت زایل شود. متأسفانه کسی که با معیاری جز معیار علمی و بیشتر در قالب وابستگی به گروه‌های سیاسی مراحل تحصیلی را حتی بدون یک آزمون علمی پشت سر می‌نهد و با شتاب تمام به دانشگاه‌ها تحمیل می‌شود، بی‌تردید برای استخدام و رشد علمی که زمینه دانشیاری یا استادی است به ناچار به زد و بندها که شایسته دانشگاه‌ها و کار علمی نیست، متوسل شده و به ناچار نوشته‌ای هر چند سست باید به چاپ برساند تا موقعیت خود را استوار کند و گرفتار غم نان نشود. امید است با تغییر رویکرد مدیران این مرز و بوم به دانشگاه‌ها و پذیرش این اصل که فرهنگیانی که اولاً خداوند به آنها بهره هوشی والا داده و ثانیاً با همت بلند مدارج علمی را طی کرده‌اند، حق تدریس در دانشگاه را دارند، رویکرد سوادگرانه به مقاله را در عرصه مطبوعات کشور خود بنینیم.

در توجه روز افزون به خاقانی و خاقانی پژوهی به این نکته نیز باید توجه داشت که دیوان وی گنجینه و دایره المعارفی از دانش‌های گوناگون روزگار شاعر بوده و از نظر زیباشناسی و بحث‌های هنری در پهنه‌ی ادب فارسی نیز بسیار قابل توجه است و موضوع اخیر که سبب مهم دشواری شعر شاعر شده است، و زبان جادویی خاقانی، از چشم پژوهشگران پنهان نمانده و به همین سبب کوشش قابل توجه نویسندگان را در زدودن پرده‌های ناآشنایی از چهره‌های زیبارویان شعر خاقانی سبب شده است و به نظر می‌رسد با توجه به آشتی با خاقانی در دانشگاه‌ها، این روند روبه رشد خاقانی پژوهی ادامه یابد.

با توجه به جدول توزیع فراوانی موضوعات در سال‌های مورد مطالعه (۱۳۸۸-۱۳۹۰ ه.ش) مقاله‌ها در چهل و نه موضوع پرداخته و به چاپ رسیده‌اند. برخی عنوان‌هایی که در این جدول به کار رفته، کلی است و قابل جداسازی به عنوان‌های دیگر است. مانند موضوع شناخت ادیان و عرفان که شصت مقاله در آن زمینه به چاپ رسیده است اما خود از موضوع‌های متنوع فراهم آمده است. این عنوان کلی خود به چهار (۴) عنوان کلی آیین اسلام، آیین مسیحیت، زرتشت و اوستا، عرفان و تصوف قابل جداسازی است. سی و هشت مقاله در موضوع آیین اسلام بررسی شد که این عنوان کلی نیز به این عنوان‌ها قابل تقسیم است: آیین حج (۱۱ مقاله)، پیامبر اکرم (۷ مقاله)، خاندان عصمت (۲ مقاله)، عاشورا و امام حسین (۲ مقاله)، قرآن کریم

و بازتاب آن در دیوان خاقانی (۶مقاله)، زندگی سلیمان نبی (۲مقاله)، امام علی (۲مقاله)، پیامبران در دیوان خاقانی (۱مقاله)، داستان آدم (۱مقاله)، داوود نبی (۱مقاله)، نوح نبی (۱مقاله)، مضامین موسوی (۱مقاله) و دجال (۱مقاله). در آیین مسیحیت نیز چهارده مقاله تدوین شده که در شش مورد محور بحث و پژوهش، قصیده شناخته شده به ترسیاه است و نه مقاله دیگر زندگی عیسی یا مریم (ع) مورد توجه بوده است. هفت مقاله درباره عرفان و تصوف در آثار خاقانی و به ویژه دیوان وی به نگارش درآمده است و در یک مقاله نیز به زندگی زرتشت و کتاب اوستا پرداخته شده است. پس باید گفت توجه به هر یک از این عنوان‌ها، شماره موضوع‌ها را بسیار بیشتر می‌کند. نکته قابل توجه دیگر آن است که گاهی در یک مقاله به دو یا سه موضوع توجه شده است و همین امر سبب شده است حاصل جمع فراوانی موضوع‌ها (۴۰۹) بیش از تعداد کل مقاله‌ها (۳۷۳) باشد. با این توضیح نگاهی گذرا به بعضی موضوع‌ها که بسامد قابل توجه‌ای دارند، می‌اندازیم.

در یک نگاه کلی به موضوع‌ها، بسامد بالای مقاله‌هایی که در شناخت ادیان و عرفان به چاپ رسیده است، توجه برانگیز است. چنانکه گذشت دیوان خاقانی دایره المعارفی از باورهای دینی و به ویژه دین اسلام و مسیحیت است. آگاهی شاعر در حوزه این دو دین حیرت انگیز است. قصاید غرای شاعر در ستایش حج و کعبه و نخستین سفرنامه منظوم در ادب فارسی که با محوریت راه کعبه سروده شده است یا چامه نامبردار به ترسیاه که بسیاری از باورهای خاص عیسویان در آن بیان شده است، در گستره ادبیات فارسی بی‌مانند است. جلوه بارز باورهای عرفانی و صوفیانه در دیوان خاقانی و بسیاری مسایل دیگر از این نوع، سبب شده ذهن نویسندگان و پژوهشگران در وادی شناخت خاقانی فارغ از آن نبوده و به همین سبب در دهه‌های گذشته، مقاله‌های متعدد در این حوزه به چاپ رسد.

موضوع دیگر که بعد از شناخت ادیان بیشترین مقاله‌ها در آن بستر پرداخته شده است، زندگی، احوال و آثار خاقانی است. چنانکه گذشت از ابتدای دهه‌ی نخست این پژوهش تا پایان سال ۱۳۸۸ه.ش، نویسندگان در چهل و یک (۴۱) مقاله به زندگی و احوال خاقانی پرداخته‌اند. مقاله‌های محمدعلی ناصح و غفارکندلی هریسچی و شفیعی کدکنی در این حوزه قابل یادآوری‌اند.

امروزه ادبا و پژوهشگران دریافته اند، ابعاد هنری و زیبا شناسی شعر خاقانی اهمیت زیادی دارد و سبب مهم دشواری شعر خاقانی در حقیقت به ژرفای هنری کلام وی بازمی گردد. به همین دلیل نوع مقاله‌هایی که در آن به بحث‌های زیباشناسی پرداخته شده، قابل توجه بوده و رو به افزونی است. بیشتر مقاله‌ها بیست و شش مقاله در این موضوع در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۰ ه.ش به چاپ رسیده است.

به سه موضوع بررسی و نقد کتاب، معرفی و بررسی کتاب و معرفی نسخه یا نسخ خطی نیز می‌توان در یک زمینه یا موضوع همگون نظر انداخت. بیست و چهار مقاله در نقد و بررسی کتاب، سیزده مقاله در معرفی و بررسی کتاب و سیزده مقاله در معرفی نسخه یا نسخ خطی به چاپ رسیده است. نکته قابل توجه آن است که در دهه‌های اخیر کتاب‌های گزیده فراوانی از دیوان خاقانی با اهداف آموزشی به چاپ رسیده است. با توجه به آنکه سلیقه و دیدگاه نویسندگان در تهیه این کتب تعیین کننده بوده است و این گزیده‌ها در برگیرنده همه سلیقه‌ها نیست، نقد و بررسی این آثار و معرفی آنها در نشریات نمود پررنگی یافته است. کوشش برای دستیابی به متن‌های درست دیوان یا سایر آثار خاقانی یا نسخه‌های شرح‌های کهن دیوان، موضوع پانزده (۱۵) مقاله است.

دشواری شعر خاقانی و اسباب آن، همواره مورد توجه بوده است. این دیربایی گاهی ریشه در موضوعی یا اشاره‌ای خاص در دیوان دارد که ندانستن آن باعث عدم درک درست بیت یا ابیات می‌شود. اما گاهی دست‌یابی به متن درست‌تر، با انجام پاره‌ای تصحیحات میسر می‌شود، بنابراین بیست و پنج مقاله در شرح بیت یا ابیات و نه مقاله در تصحیح ابیات دیوان خاقانی پرداخته شده است و ضرورت این شرح یا تصحیح ابیات هنوز کاملاً محسوس است.

از جمله موضوع‌هایی که در سال‌های اخیر محل توجه پژوهشگران قرار گرفته است، مقوله پژوهش‌های تطبیقی و بینامتنی است. در سیزده مقاله خاقانی با شاعری از ملل دیگر به ویژه در ادب عرب مقایسه شده است و در بیست و یک مقاله تأثیرپذیری شاعران از خاقانی و در هفت مقاله اثرپذیری خاقانی از شاعران دیگر تبیین شده است. هفت مقاله هم درباره ارتباط خاقانی با دیگر شاعران و یاد از آنها در اشعار وی منتشر شده است.